



در این ویژه نامه می خوانیم

◆ شخصیت علمی و فقهی شهید آیت ا... مدرس (ره)

◆ زنده تاریخ از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)

◆ شهید آیت ا... مدرس (ره) از دیدگاه مقام معظم رهبری

◆ اسوه فضیلت و معنویت

◆ اندیشه های آقای شهید

◆ زیربنای رشد و توسعه اقتصادی از نگاه شهید مدرس

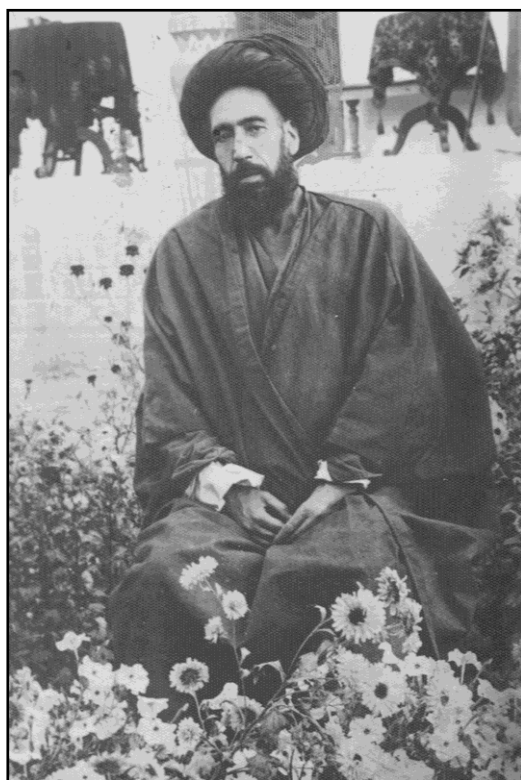
◆ زیارتگاه عاشقان

کاشمر- زیارتگاه شهید آیت ا... مدرس (ره)

تلفن ۵۵۲۴۵۶۱۱-۵۱

شخصیت علمی و فقهی شهید مدرس

در آن روز در حاشیه کویر داغ ، تفتیده و سکوت زده ایران ، در روستای بی‌نام نشان و خوش‌منظری به نام «سرابه-کچو» از توابع زواره اردستان ، در خانواده روحانی و عالم پاک‌طینتی به نام « سید اسماعیل طباطبائی» از طایفه سادات میر عابدین زواره و از نسل امام حسن مجتبی^(ع) نوزادی چشم به جهان گشود، که او را به نام جد اعلایش ، امام حسن^(ع) «حسن» نامیدند. بعدها، درست زمانی که «سید حسن» به یک عالم ، زاهد ، فیلسوف و سیاستمدار بزرگ تبدیل‌شده بود و از اساتید درجه اول و مجتهد حوزه‌های علمیه اصفهان و تهران به شمار می‌آمد ، به خاطر مهارت فوق‌العاده در تدریس فقه و اصول ، حکمت و فلسفه و عرفان و اخلاق، و اتصاف به زهد و تقوا ، «آیت‌الله مدرس» نامیده شد و با این نام بزرگ و پرمعنای خود در صحنه فقاقت و سیاست عالم اسلام و ایران نقش واقعی یک فقیه جامع‌الشرایط و مجتهد مجاهدی را ایفا کرد .



خانواده شهید مدرس

« سید حسن مدرس» در یک خانواده علم و عرفان و متعهد به اسلام نشو و نما یافت . خانواده او از سادات طباطبائی حسنی می‌باشند که از زمان بنی‌عباس به بعد از مبارزین نستوه علیه خلفا و سلاطین جبار به شمار می‌آمدند . پدر «سید حسن» عالم و مبلغ متعهدی بود که زندگی خویش را وقف خدمت به اسلام و مسلمین نموده بود ؛ و بیشتر ایام سال را جهت وعظ و تبلیغ اسلام و اصلاح و ارشاد مردم در مهاجرت و دور از دیار خانواده به سر می‌برد. او بیش از هر جای دیگر به «قمشه»- شهر رضا می‌رفت. سید اسماعیل طباطبائی هرچند از نظر مالی فقیر و تنگدست بود، اما از لحاظ معنوی و روحی بسیار غنی و بلندمرتبه بود. او همی به جز تبلیغ اسلام و ارشاد و هدایت مردم نداشت. خود شهید سید حسن مدرس درباره پدر بزرگوارش چنین می‌گوید: پدر من سید اسماعیل و جدم میرعبدالباقی از طایفه میرعابدین زواره و از سادات طباطبائی می‌باشند. شغل جد و پدرم وعظ و خطابه و تبلیغ احکام شریعت الهی بوده است .

«جد پدر» سید حسن مدرس، عالم زاهد و عارف روشندل مرحوم «میر عبد الباقی طباطبائی» از عرفا و اوتاد زمان خود به شمار می‌آمد؛ از منطقه زواره اردستان به «قمشه» مهاجرت کرده و در آنجا سکونت گزیده بود؛ و هم او بود که بیشترین نقش مثبت را در تعلیم و تربیت نوه خود «سید حسن» ایفا کرده و او را در مسیر علم و دانش و تقوا قرارداد.

میر عبد الباقی، در زمان حیات خود آموزش و پرورش سید حسن را متکفل گردیده و بعد از مرگ خود نیز ضمن وصیت‌نامه‌ای او را به ادامه تحصیل علوم دینی و باقی ماندن در کسوت طلبگی تشویق و سفارش نمود. سید حسن مدرس درباره مقام بلند زهد و عبادت جد خود میر عبد الباقی، چنین می‌گوید: جد من میر عبد الباقی از مبلغین اسلام و زهاد زمان خود به شمار می‌آمد؛ او از زواره به قمشه، واقع در جنوب اصفهان مهاجرت کرده بود. در حالی که من شش سال بیشتر نداشتم جدم تعلیم و تربیت را عهده‌دار گردید. زمانی که او به رحمت خدا پیوست من چهارده ساله بودم و طبق وصیت او بعد از گذشت دو سال از مرگش، من جهت ادامه تحصیل به اصفهان رفتم.



نسب نامه شهید سید حسن مدرس

از آنچه گفته شد معلوم گردید که شهید مدرس دارای خانواده‌ای مشهور به فضائل و مکارم اخلاقی بوده است. بنابراین، نقش بنیادین خانواده پر از معنویت مدرس را نباید در شکل‌گیری شخصیت بسیار ممتاز او بی‌تأثیر تلقی نمود.

نسب میر عبد الباقی، جد پدری شهید سید حسن مدرس، به امام مجتبی حسن بن علی بن ابی‌طالب^(ع) می‌رسد. بنابراین، سید حسن مدرس از سادات حسنی و طباطبائی هست و به آن حضرت انتساب پیدا می‌کند.

شجره‌نامه شهید مدرس، بر روی مزار او در کاشمر نیز روی سنگی حکاکی شده است. عین این شجره‌نامه شریفه را حضرت آیت‌الله شهاب‌الدین نجفی مرعشی مجتهد و نسب‌شناس معروف زحمت استخراج و تدوین آن را کشیده است.

دوران تحصیل مدرس و استادان او

سید حسن طباطبائی، که بعدها به سید حسن مدرس اسفیه ای مشهور شد، در شانزده سالگی راهی حوزه علمیه اصفهان گردید. حوزه علمیه اصفهان در آن عصر از جمله مراکز نادر و باشکوه علم و حکمت در ایران و جهان اسلام به شمار می آمد که علمای بزرگی چون آیت الله میرزا عبدالعلی نحوی هرنندی و حضرت آیات عظام سید محمدباقر درچه ای و سید صادق خاتون آبادی، شیخ مرتضی ریزی و شیخ عبدالکریم گزی و عرفا و حکمای واصل به حق و نامداری همچون فیلسوف نامی آخوند ملا محمد کاشانی و حکیم زاهد میرزا جهانگیرخان قشقایی و امثالهم در آنجا حضور داشتند و با نور علم و معرفت و فقه و فلسفه خود محیط را منور ساخته بودند و در مدارس اصفهان به تربیت شاگرد اشتغال داشتند.

روی همین اصل جذبه های نیرومند حوزه اصفهان، «سید حسن» جوان و نابغه را نیز به سوی خود کشیده و او درست در زمانی که شانزده سال بیشتر نداشت، با دستی تهی و قلبی پر از امید و ایمان و خلوص و تقوا و با شجاعتی کم نظیر راهی اصفهان شده و حجره ای برای اقامت و تحصیلات خود تهیه نمود.

«سید حسن» به مدت سیزده سال تمام در حوزه علمیه اصفهان اقامت گزیده و شب و روز به آموزش و تحصیل معارف و علوم اسلامی و دیگر معارف رایج عصر خود پرداخت؛ چنانکه خود او می گوید، در مدت سیزده سال، حضور بیش از سی استاد را در علوم مختلف درک نموده است.

«سید حسن مدرس» در طول این مدت در حضور آیات عظام سید محمدباقر درچه ای و شیخ مرتضی ریزی و اساتید دیگر، در فقه و اصول به درجه اجتهاد رسیده و به ویژه در اصول، آن چنان مهارتی یافت که توانست تقریرات مرحوم ریزی را که مشتمل بر ده هزار بیت بود بنویسد؛ وی در این مورد آورده است: «تقریرات معظم له (مرحوم ریزی) نزدیک به ده هزار بیت در مسئله حجة الظن بود که به طور کامل نوشتم»

مدرس، در همین دوره که دو سال و نیم به طول انجامید، تقریرات دیگری از سید محمدباقر درچه ای در باب استصحاب را نوشت. مقایسه کتاب های باقی مانده سید حسن مدرس که به دوره تحصیلات او در اصفهان تعلق دارد، با آثار اصولی حضرات آیات عظامی مانند شیخ محمدحسین نائینی، حاج آقا ضیاء عراقی و امثال آنها نشان می دهد که او حتی پیش از آنکه به حوزه نجف اشرف قدم بگذارد، در همان اصفهان، یک مجتهد و اصولی زبردستی بوده است.



لکن آن زمان که به نجف رفته و درس خارج متهدین دیگری مانند آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کافیۃ الاصول) و سید کاظم یزدی (صاحب عروۃ الوثقی) را درک کرد. مدرس، زمانی که در اصفهان بود در روزهای تعطیلی حوزه مانند روزهای پنجشنبه و جمعه، ایام و فیات، شهادت‌ها و مناسبت‌های دیگر، به‌طور عمده، به فراگرفتن معارف و رشته‌هایی مانند حکمت و فلسفه، عرفان و غیره می‌پرداخت. به‌ویژه، فیلسوف بزرگ آخوند ملا محمد کاشی که نبوغ و خلوص نیت و جدیت او را دریافته بود، با گشاده‌روئی تمام به آموزش خصوصی مدرس می‌پرداخت و در این محفل خصوصی که ساعت‌ها به طول می‌انجامید کسی جز شاگرد جوان فیلسوف کهن‌سال و خدا شیفته حضور نداشت.



مقام علمی و فقهی شهید مدرس

سید حسن مدرس، این فقیه مظلوم تاریخ معاصر اسلام و ایران، چهره مقدسی است که در عین نامداری و شهرت جهانی، از همه جهات گمنام و مجهول است. تاکنون درباره مدرس، مقالات، مصاحبه‌ها و کتاب‌های گوناگونی انتشار یافته است، و هر کدام از آن‌ها نیز به‌نوبه خود کوشش نموده‌اند تا گوشه‌هائی از شجاعت، ایمان، صداقت، خدمتگزاری، استقلال‌طلبی و بالاخره مبارزات ضد استعماری و ضد استبدادی آن شهید را روشن نمایند.

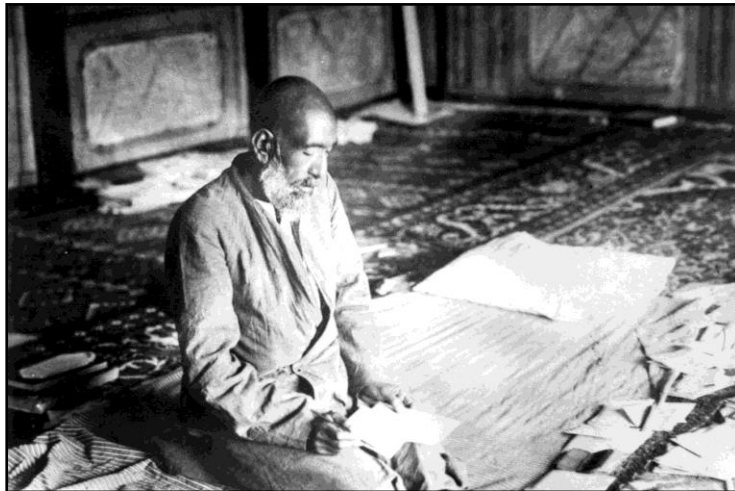
لکن باوجود همه این اقدامات ارزشمند، مقتضای انصاف آن است که گفته شود، هنوز چهره مبارزاتی و سیاسی مدرس آن‌گونه که باید شناخته نشده است؛ و از آنجاکه مجموع این نوشته‌ها و آثار از حد سرگذشت و شرح حال‌نگاری ساده فراتر نرفته‌اند؛ به همین دلیل است که هنوز «اصول و مبانی بینش سیاسی مدرس» و برداشت از اسلام و سیاست و رابطه متقابل این دو، کاملاً واضح و مدون نیست.

عامه مردم مسلمان و حتی بسیاری از خواص و فضلاء زمان، از مقامات والا و درجات بلند علمی آن سید شهید آگاه نیستند و از مطالعات و پژوهش‌های گسترده مدرس در فلسفه، فقه و اصول فقه، عرفان و اخلاق، تاریخ و نهج‌البلاغه و حدیث بی‌خبرند، چنانکه مقام بلند مدرس در ادبیات و اشعار فارسی و عربی برای همگان ناشناخته هست.

شهید بزرگوار سید حسن مدرس در سنین جوانی به مقام رفیع اجتهاد رسید و پس از کسب این مقام از اصفهان رهسپار حوزه علمیه نجف شد.

مدرس از لحاظ علمی و حوزوی شخصیتی نمونه و ممتاز بوده است، او یک مجتهد و فقیه جامع‌الشرایط، صاحب فتوا و قابل تقلید بوده است که خود حاضر نشده «رساله عملی» برای عموم منتشر نماید، با این حال آثار و تألیفات فقهی و اصولی مفصل و بسیار عمیقی را از خود به یادگار گذاشته است.

زنده تاریخ از دیدگاه امام خمینی (ره)



سه عنصر فقاقت، سیاست و صداقت تدوین گراضلاع مشترک بازشناسی امام خمینی و شهید سید حسن مدرس است. این دو در تاریخ آزادی ایران زمین جاویدانند؛ چه آن که هر دو در واکاوی دغدغه‌های آرمانی خود تکمیل‌کننده دیگری گردیدند و مرام‌نامه‌ای از غیرت، وظیفه‌شناسی، شجاعت، حماسه‌آفرینی و فداکاری را در تاریخ این سرزمین به ثبت رساندند. از این رو سخنی شگفت نیست که گفته شود خمینی و مدرس یک شخصیت‌اند که شناخت هر یک به معرفت دیگری می‌پیوندد. «امام خصوصیات فردی خیلی داشت؛ اما توفیقات او بالاتر از آن بود که به خصوصیات فردی یک انسان - هرچه هم بالا- متکی باشد. شجاعت و آگاهی و عقل و تدبیر و دوراندیشی امام بسیار ممتاز بود - در این‌ها هیچ شکی نیست اما توفیقاتی که آن بزرگوار به دست آورد، خیلی بالاتر از این است که به شجاعت و عقل و تدبیر و آینده‌نگری زیاد یک انسان متکی باشد. آن توفیقات از جای دیگر نشأت می‌گرفت که در درجه اول از اخلاص او ناشی می‌شد ... مخلص خدا بود و کار را فقط برای او و لا غیر انجام می‌داد. لذا اگر همه دنیا در مقابل او قرار می‌گرفتند و از او چیزی می‌خواستند که مورد رضای خدا نبود، انجام نمی‌داد. در درجه دوم، توکل و حسن ظن به خدا داشت. هیچ کاری در نظر او خارج از قدرت الهی نبود. کارهای بزرگ، حرکت‌های عظیم... برای او میسور بود چون عقیده داشت که به خدا متکی است و خدا او را کمک می‌کند و چون به خدا توکل داشت لذا با حسن ظن می‌نگریست. امام خصوصیت‌هایی داشت که جز با نورانیت الهی ممکن نبود و آن عبارت بود از: دشمن‌شناسی و دوست‌شناسی. در شناخت دشمن‌ها و دوست‌ها اشتباه نکرد. از اول دشمن‌ها را شناخت و آن‌ها را اعلام کرد و تا آخر هم در مقابلشان ایستاد و نیز از اول دوست‌ها را شناخت و آن‌ها را اعلام کرد و تا آخر هم از دوستی آن‌ها منتفع شد.

بر اساس این روحیه دوست‌شناسی حضرت امام (ره) و بررسی اسناد به یادگار مانده از وی به دست می‌آید که امام (ره) اهتمام ویژه‌ای به یادآوری و بازشناسی فکری و عقیدتی شهید مدرس داشته است. امام (ره) در تضاد با دو دیدگاه «بسنده نمودن به زندگی سطحی افراد» و دیدگاهی که برخی افراد را به مثابه‌ی «اسطوره دست‌نیافتنی» می‌شناسند مهم‌ترین راهکار برای خروج از این بن‌بست معرفی سطحی شخصیت‌هایی همچون مدرس را به صورت کاربردی در گستره‌ی حکومت اسلامی در هم آوایی دغدغه‌ها، معادل‌سازی نهادها و استفاده از تجربه‌های گذشتگان می‌داند. با چنین رویکردی نگارنده می‌کوشد تا ارائه گر سرفصل‌هایی از زندگی شهید مدرس در کلام امام خمینی باشد و نوع تأثیرپذیری نهضت امام خمینی (ره) از شهید مدرس را نشان دهد.



بی‌گمان هنر امام این بود که نکته‌های مغفول و متروک اسلام را به یاد اندازد و توجه جامعه و انسان را به سوی آن جذب کند. او با معرفی برخی شخصیت‌های اسلامی، مؤمن، متعهد و انقلابی راه را برای انتقال جذابیت‌ها و ارزش‌های پویا هموار می‌سازد. درباره شهید مدرس می‌نویسد: «و اینک که با سربلندی از بین ما رفته، برماست که ابعاد روحی و بینش سیاسی و اعتقادی او را هر چه بهتر بشناسیم و ...» بدیهی است که امام خمینی در پی‌ریزی انس گرفتن مردم جامعه تلاش نموده تا ضمن بازگو کردن فضای تاریخی دوران مدرس، دوره معاصر را نیز با نماد شناسی دقیق از مدرس دارای جذابیت بیشتر نماید. در این رهگذر امام (ره) به گونه هوشمندانه با به کار گرفتن عناصر هنری و رسانه‌های مختلف و بهره‌وری از نوع چیدمان و کارکرد حافظه کوتاه‌مدت و انتقال مفاهیم به حافظه بلندمدت و تکیه بر محوریت قرار دادن تکرار در زمینه بازشناسی مدرس برای سطوح فکری جامعه، موفق عمل نموده است.

چاپ اسکناس با تصویر شهید مدرس و سفارش ایشان به تعمیر و بازسازی آرامگاه وی و ... در راستای همین باور داشت رقم خورده است. رهنمودهای امام در این موضوع از این قرارند الف: سزاوار است که [بر] اولین اسکناسی که در ایران به طبع می‌رسد، عکس اولین مرد مجاهد در رژیم منحوس پهلوی چاپ شود. ب: او را هر چه بهتر بشناسیم و بشناسانیم؛ و با خدمت ناچیز خود مزار شریف و دورافتاده او را تعمیر و احیا نماییم. ج: شما ملاحظه کرده‌اید، تاریخ مرحوم مدرس را دیده‌اید: یک سید خشکیده لاغر - عرض می‌کنم - لباس کرباسی - یکی از فحش‌هایی که آن شاعر به او داده بود، همین بود که لباس کرباسی پوشیده یک همچو آدمی در مقابل آن قلدر ایستاد ... این چه بود؟ برای اینکه وارسته بود، وابسته به هوای نفس نبود ... برای مقام و برای جاه و برای وضعیت کذا نمی‌رفت عمل بکند، او برای خدا عمل کرد. کسی که برای خدا عمل می‌کند، وضع زندگی‌اش هم آن است...

گفتمان همراه با منطق، درایت و احترام

امام (ره) روایتگر زندگی مجاهدی است که گفتمانش توأم با منطق، درایت و احترام هست. مدرس گرچه در برابر زورگویان و اهل استبداد به‌نوعی با غرور تأدیبی برخورد می‌کرد، ولی همیشه مجلس و حضور گرمش آرام‌بخش و التیام دهنده قلوب مستضعفان و بی‌پناهان بود که به او رو آورده بودند. بدیهی است که چنانچه از مدرس که مردی بود با منطق قوی و اطلاعات خوب و شجاعت حمایت می‌شد. ممکن بود که در هم آن وقت شر این خانواده کنده بشود. امام (ره) که خود در دوره رهبری‌اش این گفتمان را تجربه نموده بود در استدلال این شیوه می‌فرماید: «... عملی که سفیر یا سفرای حضرت رسول انجام دادند، یک عمل ساده بزرگی بود، از اول، شخصیت آن فرعون را از اول شکستند. مرحوم مدرس هم این عادت را داشت. توی حیاطش یک فرشی انداخته بود و آنجا می‌نشست. قلیان هم وقتی می‌خواست پا می‌شد شروع می‌کرد درست کردن. در این خلال فرمان فرما وارد می‌شد، فرمانفرمای آن وقت را شما شاید نمی‌دانید چه مسئله‌ای بود. ایشان می‌گفت که قلیان را دستش می‌داد و می‌گفت که شما آبش را بریز تا من آتشش را درست کنم. فرمانفرما شکست می‌خورد. تحت تأثیر همچو واقع می‌شد که مدرس به او گفت تو آب قلیان را بریز. وادارش می‌کرد که آب قلیان را بریزد... این برای این بود که برخورد با این مغزهای فاسد گاهی باید طوری باشد که از اول طمع نکنند... اگر با تواضع و خضوع و آن طوری که آن وقت‌ها متداول بود رفتار می‌کردند، آن طمع می‌کرد که اگر مطلبی دارد تحمیل کند. اما وقتی برخورد یک برخورد این طوری بود، ساده و لکن کوبنده، دیگر نمی‌توانست به او تحمیل کند مطلبی را ...» همین درایت هوشمندانه مدرس بود که در نظام فکری رضاشاه و اهدافش اختلال ایجاد کرده بود. «... رضاشاه از مدرس می‌ترسید، آن قدری که از مدرس می‌ترسید از دزدی‌های سرگردنه نمی‌ترسید، از تفنگدارها نمی‌ترسید. از مدرس می‌ترسید، که مدرس مانع بود از این که یک کارهای زشتی انجام بدهد ...»

و چه زیبا مدرس (ره) در پاسخ احمدشاه که از مدرس شکوه درباره‌ی همراهی نکردن با مقاصد وی کرده بود با منطق و درایت خود پاسخ می‌دهد و می‌نویسد : « بسم الله الرحمن الرحیم - خداوند دو چیز به من نداده ، یکی ترس و دیگری طمع و هرکس با مصالح ملی و امور مذهبی با من همراه باشد با او همراهم و الا فلا »



انسان نمونه

در دیدگاه امام (ره) رسیدن به آرمان‌هایی همچون استقلال و آزادی چنانچه در فضای «انسان بودن» و با محوریت فطرت پاک‌باز شناخته و تدوین نگردد نمی‌تواند همه مقصد تلقی شود . «... ما همه این‌ها را فدای انسان می‌کنیم ، ما انسان می‌خواهیم ، همه فدای انسان . انسان وقتی درست بشود همه چیز درست می‌شود... »

شگفت آن‌که همیشه امام پس از بیان دیدگاهشان ، نام مدرس را به‌عنوان یک انسان نمونه آورده‌اند و این انتخاب از میان آن‌همه شخصیت می‌رساند که امام (ره) مدرس را انسانی جامع در عقیده و عمل به تعالیم و احکام قرآن و شرع مقدس می‌داند «... یک آدم اگر موافق تعلیم قرآن درست شود ، یک وقت می‌بینید که یک مدرس از کار درمی‌آید که یک مدرس مثل یک گروه است ، جلوی قدرت رضاشاه ، آن قدرت شیطانی می‌ایستد تنها ، با پیرمردی خودش می‌ایستد ، جلوی او را می‌گیرد و جلوی شوروی که می‌خواست به ایران حمله کنند ، ... می‌گیرد .» کسانی که با چنین تحلیل و دیدگاهی از شخصیت شناسی مدرس بیگانه‌اند وی را در مبارزاتش شخصی حادثه‌جو و جاه‌طلب معرفی می‌نمایند . اما امام (ره) مدرس را یک انسان تربیت‌شده در روحانیتی مستقل بازمی‌شناسد ؛ که با آرمان‌خواهی و درک صحیح و منطقی و وظیفه‌اش توانسته است از زیاده‌خواهی حادثه‌جویان و جاه‌طلبان زمانه بکاهد ، و همه پندار و کردارش در راستای اهداف انبیاء و تربیت جامعه‌ای انسانی بوده است . امام تربیت این‌گونه از انسان‌ها را در جامعه اسلامی ضروری می‌داند و در سخنی راهبردی می‌فرماید : « ... خارجی‌ها هم از انسان می‌ترسند و لهذا دانشگاهی‌ها را می‌خواهند نگذارند از آن‌ها انسان پیدا بشود و مدارس ما را هم می‌خواستند نگذارند و همه‌اش را می‌خواستند به هم بزنند و مساجد را به هم بزنند ... ما الآن موظفیم که تمام قدرت خودمان ، تمام توجه خودمان را به این نهضت داشته باشیم که این محفوظ بماند به آخر برسد تا یک حکومت اسلامی آن طوری که باید و شاید تحقق پیدا بکند ... » در این چند سال تلاش کردند که انسان نباشد ... نگذارند یک انسانی پیدا بشود . این‌ها می‌دیدند که یک فرد انسان اگر پیدا بشود ممکن است یک ملت را هدایت کند ... » و چه دل‌نشین شهید مدرس از راز آزادی و انسانیت خویش می‌گوید : « اگر من نسبت به بسیاری از اسرار آزادانه اظهار عقیده می‌کنم و هر حرف حقی را بی‌پروا می‌زنم برای آن است که چیزی ندارم و از کسی هم نمی‌خواهم و اگر شما هم بار خود را سبک کنید و توقع را کم نمایید آزاد می‌شوید ... باید جان انسان از هر قیدوبندی آزاد باشد تا مراتب انسانیت و آزادی خویش را حفظ نماید ... »

وحدت بخشی اندیشه‌ها

چنانچه در نطق‌ها ، نامه‌ها و اسناد به جای مانده از شهید مدرس تحقیق شود ؛ به خوبی دغدغه آرمانی وی به لحاظ وحدت بخشی اندیشه‌های نخبگان ، روشنفکران ، صاحب‌منصبان ، عالمان دینی و مردم جامعه آشکار می‌شود . بی‌گمان چنین دغدغه‌ای از روحیه آزادمندی مدرس حکایت دارد که می‌خواهد هر ایرانی مسلمان با اتکای بر منابع و استعدادهای خود قله‌های پیشرفت را فتح نماید .

دیدگاه مدرس این بود که « هرچه و هر کاری که برای جامعه لازم به شمار آمد و اقدام به آن مطابق مصلحت تشخیص شد برای به دست آوردن آن خیر کنید ، این رنج و زحمتهای قلیل را نباید چیز مهمی شمرد » وی در تاریخ ۱۱ صفر سال ۱۳۲۹ در خصوص تقویت ارتش و حفظ و حراست مرزهای کشور می‌گوید : « امروز مملکت ایران محتاج به قوه دافعه است ، مقدم‌تر بر هر چیزی و بر هر نفس واجب است که حفظ مملکت و ثغور اسلام را بفرمایند چه مثل من که عمامه سرم است و از اول عمرم تا حال در مدرسه بوده‌ام ... هر کس هر قوه‌ای دارد واجب است بر او که آن قوه را در نگهداری مملکت اسلامی در وقت خودش به ترتیبی که امراء و روسای مملکت تصویب می‌کنند به کاربرد و مدافعه بکند...»

امام خمینی (ره) نیز با تأیید و الهام از چنین آرمانی در وصیت‌نامه تاریخی‌اش می‌نویسد: «... وصیت من به گروه‌های مسلمان که از روی اشتباه به غرب و احیاناً به شرق تمایل نشان می‌دهند و از منافقان که اکنون خیانتشان معلوم شد ... آن است که بر سر اشتباه خود پافشاری نکنند و باشهامت اسلامی به خطای خود اعتراف، و با دولت و مجلس و ملت مظلوم برای رضای خداوند هم‌صدا و هم مسیر شده و این مستضعفان تاریخ را از شر مستکبران نجات دهید؛ و کلام مرحوم مدرس آن روحانی متعهد پاک‌سیرت و پاک اندیشه را به خاطر بسپارید که در مجلس افسرده آن روز گفت: اکنون که باید از بین برویم چرا با دست خود برویم .

من هم امروز به یاد آن شهید راه خدا به شما برادران مؤمن عرض می‌کنم اگر ما با دست جنایتکار آمریکا و شوروی از صحنه روزگار محو شویم و با خون سرخ شرافتمندانه باخدای خویش ملاقات کنیم ، بهتر از آن است که در زیر پرچم ارتش سرخ شرق و سیاه غرب زندگی‌نامه مرفه داشته باشیم . و این سیره و طریقه انبیای عظام و ائمه مسلمین و بزرگان دین مبین بوده است و ما باید از آن تبعیت کنیم و باید خود بباورانیم که اگر یک ملت بخواهند بدون وابستگی‌ها زندگی کنند می‌توانند و قدرتمندان جهان بر یک ملت نمی‌توانند خلاف ایده آنان را تحمیل کنند .»

منبع . محمدحسن پاکدامن ، پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی . ویژه‌نامه شهید آیت‌الله مدرس (درس‌نامه مدرس) . دبیرخانه شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی .



شهید مدرس از دیدگاه مقام معظم رهبری



با درود به روح پاک شهید اسلام سید حسن مدرس و همه شهدای حاکمیت اسلام و همه پیشتازان انقلاب اسلام ایران . روز دهم آذر مصادف است با ... سالروز شهادت روحانی مبارزی که در میدان دین و سیاست با شجاعت کم‌نظیر به جنگ با ظلم و زور برخاست و در هولناک‌ترین ادوار تاریخ این سرزمین و در ایامی که هیچ صدای مخالفی علیه ستم و اختناق رضاخانی بلند نبود علم مبارزه را یک‌تنه بر دوش گرفت و در راه انجام رسالتی که بر عهده داشت زندان و تبعید و ترور و شهادت را به‌جان‌ودل پذیرفت و بدون بیم و هراس حکومت جابر و فاجر رضاخانی را به مبارزه طلبید، امروز که بعد از ده‌ها سال آرمان بزرگ او یعنی حاکمیت نظام اسلامی در ایران تحقق‌یافته و نهال استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی بالنده و بارور شده است چهره درخشان بزرگ‌مردی که سیاست و دیانت را دو بازوی یک انسان کامل می‌دانست بیشتر و بهتر جلوه می‌کند. او به حقیقت نمونه کامل استقامت و اسطوره مقاومت . یکی از درخشان‌ترین چهره‌های مبارزه در تاریخ روحانیت و سیاست کشور ما بود. مقاومت او در برابر دیکتاتوری و ایستادگی او در برابر سیل هجوم فرهنگ خارجی و مبارزه او علیه کفر و الحاد و تلاش پیگیر او در راه استقرار احکام الهی و فداکاری او در راه حفظ استقلال و شرف ملی و مذهبی در تاریخ مبارزات دینی و سیاسی کم‌نظیر است.

این روحانی مبارز و این خطیب توانا و این پیکارگر راه حق و عدالت از نخستین لحظه ورود به عالم سیاست تا آخرین لحظه حیات پربرکتش زبان‌گويا و برنده مردمی بود که بنا به تعالیم آئین آسمانی خویش نمی‌توانستند در برابر ظلم و اختناق ساکت بنشینند و دم برنیاورند و در چنان برهوتی که قدرت‌های خارجی به دست قزاق بی‌فرهنگی به نام رضاخان در کشور ما ایجاد کرده بودند تنها خروش خاموش نشدنی این مرد منبر و محراب بود که سکوت دهشت‌بار حاکم را می‌شکست و لرزه بر ارکان حکومت سرنیزه و کشتار رضاخانی می‌افکند.

مدرس به‌عنوان یک روحانی که از سرچشمه فیاض دین رهایی‌بخش و انسان‌ساز اسلام سیراب بود در انجام تکالیف الهی و شرعی خویش که مبارزه با ظلم و فساد و اختناق را در سرلوحه احکام خویش دارد، تنها بودن را بهانه سکوت قرار نداد و چه‌بسا که در بسیاری از جریان‌های سیاسی کشور یک فریاد مخالف بود که پرده خفقان حاکم را می‌درید و آن فریاد خروش دشمن‌شکن مدرس بود، پرده سیاه ظلم را در سال‌هایی که حاکمیت رضاخان بر جامعه تثبیت می‌شد چه‌بسا که تنها یک چهره و یک نور از هم می‌درید، چهره نورانی و مقدس روحانی آزاده و مبارزی به نام سید حسن مدرس .

مدرس به حق افتخار جامعه روحانیت بخصوص در قرن حاضر و نمونه مقاومت جامعه روحانیت در همه زمان‌هاست ، فریاد او آشنا ترین فریاد مخالفت با استبداد و سلطه بیگانه به گوش مردم میهن ماست و این فریاد را قدرت‌های خارجی و عوامل سرسپرده داخلی آن‌ها هیچ‌گاه نتوانستند خاموش کنند و نخواهند توانست.

بیست و پنج سال پس از شهادت او به دست دژخیمان پهلوی در سال ۱۳۴۱ همین فریاد بود که در حوزه علمیه قم از سینه امام بزرگوارمان طنین‌افکن شد و در خرداد ۱۳۴۲ در سراسر این میهن اسلامی خواب ستمگران و طاغوتیان را برآشت . پرچم مبارزه‌ای که شهید مدرس برافراشت هیچ‌گاه بر زمین نیفتاد ، صفیر گلوله دشمنان خدا و خلق نتوانست این فریاد را خاموش کند. چراغی که مدرس فرا راه روحانیت و مردم بیدار کشور ما برافروخت هیچ‌گاه خاموش نگردید و علی‌رغم توطئه‌های دشمنان اسلام و انسانیت این چراغ روز بروز روشن‌تر و پرفروغ‌تر شد. و پرده ظلمت را درید و حاکمان مستبد را رسوا ساخت و درنهایت بساط آن‌ها را در این مرزوبوم برچید.



مبارزه بی‌امان مدرس علیه هر آنچه غیر خدایی است هنوز در جامعه ما ادامه دارد . راه مدرس راه اسلام راستین است و هر آن کس که در این راه گام می‌زند قطره‌قطره خون پاک و مطهر آن شهید اسلام را چراغ راه خویش می‌داند و می‌شناسد. خون شهید مدرس به شاگردان و مریدان او راه پیکار با ظلم و استکبار را نشان می‌دهد و آرمان و سیاست او در جهت زندگی استقلالی و بدون چشمداشت از قدرت‌های خارجی هم‌اکنون سرمشق و راهنمای خدمتگزاران جمهوری اسلامی است... می‌گویند در آبان ماه ۱۳۰۵ وقتی مزدوران رضاخان مدرس را ترور کردند او با پیکری تیرخورده و درهم‌شکسته از روی تخت بیمارستان به فرستاده ویژه رضاخان چنین پاسخ داد، به کوری چشم دشمنان من هنوز زنده‌ام . و من امروز ... سخن امام عزیزمان را تکرار می‌کنم که مدرس زنده است تا تاریخ زنده است. چراکه اگر جسم او در میان ما نیست راه و آرمان او با ماست و در این راه میلیون‌ها هم‌وطن ما با شهید مدرس هم‌آوایند که دیانت ما عین سیاست ما و سیاست ما عین دیانت ما و منشأ سیاست ما دیانت ماست.

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی، چهارشنبه ۱۱ آذر ۱۳۶۰، شماره ۷۲۵، ص ۱۱. (پیام ریاست جمهوری به مناسبت چهل و چهارمین سالروز شهادت آیت الله مدرس)

اسوهی فضیلت و معنویت

پیش از این که پیرامون شخصیت آیت‌الله سید حسن مدرس مطالعه‌ای داشته باشم شنیده بودم که وی به لحاظ مذهبی ، فقهی ، زهد و تقوا و به‌ویژه در سیاست چهره‌ای برجسته در تاریخ دارد . شاید اولین سخنی که از او شنیده بودم جمله‌ای معروف سیاست ما عین دیانت ماست بود . ولی زمانی که مشغول مطالعه برخی از کتبی که پیرامون شخصیت وی نوشته شده ، گردیدم به خود گفتم که بی‌دلیل نیست این اشخاص در تاریخ جاوید می‌مانند و از آن‌ها به نیکی یاد می‌شود . مرحوم مدرس در تاریخ صدساله اخیر از چهره‌های ممتازی بود که هنوز ابعاد شخصیتی او برای جامعه‌ی ما به‌خوبی روشن نشده است . با توجه وظیفه‌ای که در این برهه از زمان بر دوش ما سنگینی می‌کند بیان ایده‌ها ، فضیلت‌ها ، شجاعت‌ها و معنویت این‌گونه شخصیت‌هاست . بی‌تردید در میان شخصیت‌های بزرگ دینی و سیاسی معاصر ، شهید آیت‌الله سید حسن مدرس از چهره‌های ماندگار است . نوع زندگی و عمل کرد و رفتارهای وی می‌تواند برای همه اقشار جامعه و به‌ویژه کسانی که امروز در کسوت عالمان دین و نمایندگی مردم در مجلس شورای اسلامی به انجام وظیفه مشغول‌اند ، الگو و سرمشق باشد . چراکه عالم متعهد و مسئولیت شناس دریکی از برهه‌های بسیار سخت و درعین حال حساس و سرنوشت‌ساز تاریخ ایران اسلامی و در شرایطی که آحاد مردم در نتیجه حاکمیت زمامداران بی‌کفایت و مستبد داخلی و نفوذ و دخالت بیگانگان استعمارگر خارجی با انواع مشکلات فرهنگی و سیاسی و اقتصادی دست‌به‌گریبان بودند ، به دفاع از استقلال کشور و ارزش‌های فرهنگی و حقوق پایمال شده مردم پرداخت و درنهایت هم با نثار جان خود از تحقق پیدا کردن اهداف و نقشه‌های شوم بیگانگان و عیادی مزدور آنان جلوگیری به عمل آورد.

در این مقاله تلاش می‌شود در سه محور : ۱- فضیلت‌های علمی ۲- فضایل معنوی ۳- خلوت سید از زبان خودش ، شخصیت بی‌مانند او را از تصور به تصدیق بکشانیم .



فضایل معنوی

از نظر اسلام سرچشمه روحی و معنوی برای انسان و یگانه عامل کمال و سعادت ، توجه به خدا و شناخت او و یادآوری ذکر اوست . توجه قلبی انسان به ساحت قدس پروردگار آثار روحی و معنوی عمیقی از خود بر جای می‌گذارد و گاهی همراه با عمیق‌ترین هیجانات روحی و جاذبه‌های معنوی هست. انسان اگر این‌گونه در امور معنوی ثابت‌قدم باشد از هیچ مانعی وحشت ندارد. بر همین اساس در این بخش سعی می‌شود به جنبه‌های معنوی و عبادی ، زهد و پارسایی آیت‌الله مدرس با توجه به آنچه از بزرگان دین و کسانی که به نحوی با ایشان مرتبط بوده‌اند پرداخته شود تا آن تصویری که از آیت‌الله سید حسن مدرس داریم به تصدیق برسانیم . شهید مدرس نه تنها به اوصافی چون شهامت و شجاعت، بصیرت و تیر هوشی ، ساده زیستی و پرهیز از تجملات، قناعت و مناعت طبع، صبر و استقامت، ستم‌ستیزی غیرقابل وصف، اخلاص و تواضع ، نظم و انضباط ، عظمت خواهی برای وطن ، بی‌اعتنایی به مظاهر بیگانه آراسته بود ، که در مناجات و عبادات ، زهد و تهجد خاطرات ماندگاری دارد . بر همین اساس در این بخش یادآور اسوه‌گی های او می‌شویم و آن‌ها را در عناوین زیر جستجو می‌کنیم .



مؤلفه‌های اخلاقی

از آنجاکه شهید سید حسن مدرس دوران کودکی و نوجوانی خویش را تحت نظر پدری آراسته به مکارم اخلاقی و دوران جوانی را در محضر استادان بزرگ دینی ، که هر یک در عرصه علم و فضایل انسانی الهی زبانزد عام و خاص بودند سپری کرده بود و تمام لحظات آن دوره را به خوشه‌چینی از کمالات و مکرمت‌های اخلاقی آن‌ها گذرانده بود ، خود نیز به تمام اسوه‌ای از فضیلت‌های والای اخلاقی و معنویت متعلق بود وی ضمن اشاره به خاطراتی از پدر می‌گوید : ... پدرم در کودکی .. اجداد طاهرین ما را سرمشق و عبرت قرار می‌داد و می‌گفت : حلم و بردباری را از جد بزرگوارمان رسول‌الله (ص) بیاموزیم ، شهامت و قناعت را از جد طاهرمان علی ابن ابی‌طالب (ع) و تسلیم‌ناپذیری در برابر زور و ستم را از جد شهیدمان سید الشهداء . پدرم همیشه می‌گفت : کسی که به افراط در خور و خواب عادت نکرده تنور شکم را نتافته باشد ، در برابر زور تسلیم نمی‌شود و در برابر زر و مال دنیا اسیر و سوسه نمی‌گردد . وی جد اطهرمان علی بن ابی‌طالب (ع) را مثالی می‌آورد .. مثال دیگر پدرم ، زندگی و مبارزات جد بزرگوارم سرور شهیدان سید الشهداء بود که یزید بن معاویه ، آن حضرت را به مال و منال فراوان و زندگی آسوده وعده داد . ولی آن حضرت آن وعده‌ها را نادیده گرفت . وی علی‌رغم ناگواری و سختی معیشت لحظه‌ای از کسب علم و دانش کوتاهی نکرد و طولی نکشید که در سنین جوانی به درجه اجتهاد نائل آمد . میرزای شیرازی بزرگ ، استاد مرحوم مدرس در توصیف ایشان می‌فرمایند : این سید مانند اجداد پاک‌دامن خویش ، پاک‌دامن است . در مدت کوتاهی همه درس‌های خود را پشت سر گذاشته و باهوش و فراستش گاهی مرا به تعجب می‌اندازد . سید حسن مدرس بسیار درستکار و باتقوا است .

کار عملگی

جالب آن است که مدرس برای امرارمعاش و تأمین هزینه تحصیلات خویش به مزارع اصفهان و نجف می‌رفت و همراه با مردمان محروم و رنج‌دیده به کار و تلاش روی زمین‌های زراعی می‌پرداخت. خودش چنین گفته است: در بحبوحه واقعه تنباکو من پنج یا شش سال بود که در اصفهان بسر می‌بردم و طلبه‌ای در سطح خارج و غالباً روزهای تعطیل برای تهیه معونه، یک هفته به کار عملگی (کارگری) می‌رفتم... روزهایی که به کار کلوخ کوبی می‌رفتم.. با کشاورزان صحبت می‌کردم.. اغلب از قرارداد راضی بودند. می‌گفتند: شرکت تنباکو به ما قرض می‌دهد تا که بدهکاری‌های ارباب‌ها را بدهیم و بعد محصول ما را یکجا می‌خرد و پول نقد می‌دهد؟! وقتی برایشان می‌گفتم: همه‌چیز را نمی‌توان به خاطر پول نقد به فرنگیان داد، به فکر می‌افتادند.... از همان ایام به مطالعه جدی تاریخ اقوام و ملل پرداختم و متوجه شدم که این بحث در دروس ما چه جای خالی دیرینی دارد و مردمی که قرارداد، معاهده، پیمان‌نامه و این دست‌آویزهای سیاسی را نفهمند چه روزگار سخت مطبخی خواهند داشت. مدرس در نجف نیز غنای قناعت را پی‌گرفت و برای تأمین احتیاجات زندگی و هزینه تحصیل کار می‌کرد. خودش گفته است: «در نجف روزهای جمعه کار می‌کردم و درآمد آن را نان می‌خریدم و تکه‌های نان خشک را روی صفحه کتابم می‌گذاشتم و ضمن مطالعه می‌خواندم. تهیه غذا آسان بود و گستردن و جمع کردن سفره و مخلفات آن را نداشت. خود را از همه بستگی‌ها آزاد کردم.»



انضباط مدرس

زمانی که مرحوم مدرس نیابت مدرسه سپهسالار را به عهده داشت، در مدرسه انضباط خاصی بکار برد برای اولین بار "طرح امتحان طلاب" را به مرحله اجرا گذارد و نیز برای پذیرش دانشجو هم امتحان ورودی، وضع کرد و در امر تحصیلی دانشجویان خیلی سخت گرفت. اگر یکی از آنان ساعتی غیبت می‌کرد، فوری حقوقش را قطع می‌کردند. انتخابات تعیین نمایندگان مجلس شورای ملی نزدیک و مدرس هم یکی از کاندیداها بود یکی از طلاب برای انتخاب مدرس شدیداً فعالیت می‌کرد و سخت مشغول مبارزات انتخاباتی بود. در نتیجه تبلیغ برای انتخاب مدرس، چندساعتی از کلاس درس عقب ماند. طبق معمول مدرس دستور داد که از حقوقش به همان نسبت کسر شود. طلبه مذکور ناراحت شد و نزد مدرس رفت و گفت: استاد، علت تأخیر من این بود که برای انتخابات شما تبلیغ می‌کردم، چرا دستور دادید از حقوقم کم کنند؟ مدرس پاسخ داد: آن امری است جداگانه و کاری است اجتماعی و بجای خود ولی چون از مدرسه غیبت کرده‌ای طبق مقررات باید حقوقت کسر شود.

آراستگی و آزادگی

یکی از ویژگی‌های والای شهید مدرس شجاعت و شهامت است. او در طول عمر خود که همواره به مبارزه با ظلم و بیداد می‌پرداخت، از هیچ قدرتی نترسید دشمنانش چندین بار به‌جان او سوءقصد کردند، ولی مدرس ذره‌ای از مواضع خود عقب‌نشینی نکرد. وی بارها می‌گفت: «اگر تمام دول دنیا برخلاف من باشد،... به‌تنهایی مقاومت می‌کنم.» مرحوم مدرس به دلیل قناعت و ساده‌زیستی که داشت، از تعلقات وارسته بود. در نتیجه، بدون نگرانی از به‌خطر افتادن موقعیت و مال و جانش، حرف حق را می‌زد. روزی مرحوم مدرس به تعدادی از علمای اصفهان گفت: «اگر می‌بینید من نسبت به بسیاری از اسرار آزادانه اظهار عقیده می‌کنم و هر حرف حق را بی‌پروا می‌زنم، برای این است که چیزی ندارم و از کسی هم چیزی نمی‌خواهم. اگر شما هم‌بار خود را سبک کنید و توقع خود را کم نمایید، آزاد می‌شوید.»



نیایش

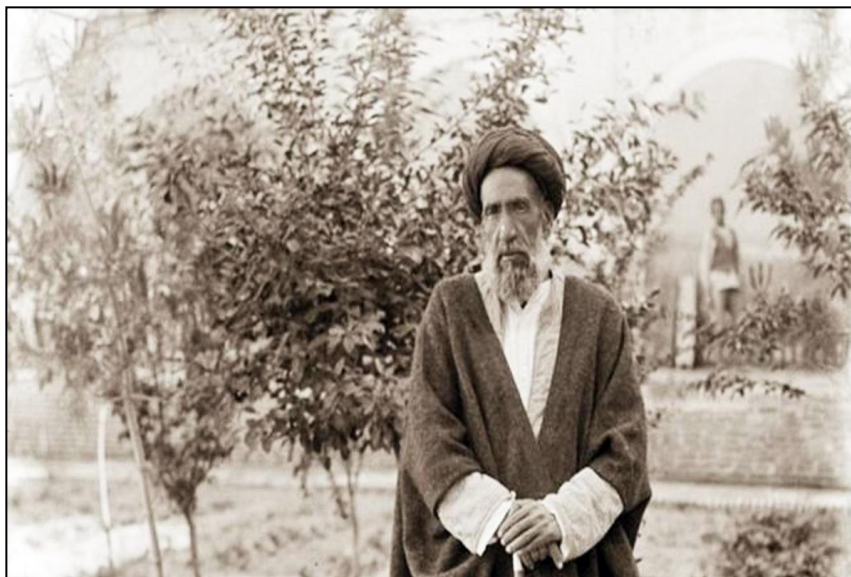
در تبعیدگاه "خواف" سخت‌ترین شرایط را می‌گذرانید؛ به‌سختی ناتوان گردیده و بینایی یک‌چشمش را ازدست‌داده بود؛ ولی روحیه‌ای بسیار شاداب و چهره‌ای ملکوتی داشت و اغلب اوقات به راز و نیاز با خدا و مطالعه و نگارش می‌پرداخت. یکی از تبعیدیان "خواف" می‌گوید: سعی کردم تنها و آرام بروم و ببینم سید چه می‌کند. چون نزدیک شدم، دیدم در گوشه باغچه نشسته، "ختم امن یحیی" می‌خواند. با قدری دقت دریافتم درودیوار با او هم‌صدا شده، آن آیه را تلاوت می‌کنند. صبر کردم آقا برخاست، سلام کردم. مرا شناخت و پاسخ داد و فرمود: این مردک رضاخان به‌زودی خواهد رفت آماده‌باشید که مملکت را نجات دهید.

نماز شبش ترک نشد

مرحوم شیخ حسن علی اصفهانی - مشهور - در خاطراتی که برای عبدالعلی باقی نویسنده کتاب "مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر" نقل می‌کند، در خصوص پارسایی و شب‌زنده‌داری مرحوم مدرس می‌گوید: روزی در نجف طلبه‌ای به اتاق ما آمد، من و مدرس هم حجره بودیم، آن طلبه دچار سردرد شدیدی شده بود و مدت یک هفته تبش قطع نمی‌شد. مدرس دست به پیشانی او گذاشت و آیه نور را قرائت کرد. با تمام شدن آن آیه تب و سردرد او قطع شد. تمام ایامی که با او بودم، نماز شبش ترک نشد. من شنیدم که یکی از اهالی خواف در زندان دچار سردرد و تب شدیدی شده و به خدمت آقا می‌رود، مدرس هم پیراهن خود را به تن او می‌پوشاند و او شفا می‌یابد.

کرامات

مدرس مدت نه سال در خواب در منزلی که فقط یک اتاق داشت ، توسط تعداد زیادی از مأموران تحت نظر بود و اغلب غذای مناسبی به او نمی‌دادند . سرانجام مدرس را در سال ۱۳۱۶ از خواب به کاشمر منتقل می‌کنند . شهید مدرس در مدت تبعید باروحي شاداب و قیافه‌ای ملکوتی مشغول عبادت و مطالعه بود رضاخان به سبب خوفی که داشت تصمیم به شهادت او گرفت از این‌روی مأموران در شب دهم آذر ۱۳۱۶ برابر با ۲۷ رمضان ۱۳۵۶ قمری به سراغ آن عالم ربانی می‌روند و می‌گویند مأموریم تا تو را مسموم کنیم . مدرس می‌گوید : « بسیار خوب ، ولی بگذارید افطار برسد . » مرحوم مدرس درحالی‌که با زبان روزه مشغول راز و نیاز بود سپس برای آن‌ها که مسافر بودند چای درست می‌کند . وی که از نیت شوم آن‌ها آگاه شده بود باکمال آرامش بر سر سجاده‌اش می‌نشیند تا صدای دلنواز مؤذن به گوشش می‌رسد ! آری دیگر وقت افطار است و می‌خواهد با مختصر غذایی که دارد افطار کند . مأمورین موقع افطار زهر در چای ریخته و به مدرس می‌خورانند . آیت‌الله مدرس پس از خوردن چای زهرآلود به نماز می‌ایستد اما چون سم اثر نمی‌کند ، عمامه او را در حین نماز خواندن باز کرده و به گردنش می‌اندازند و وی را در سن ۶۹ سالگی همانند مولایش علی ابن ابی طالب (ع) در محراب عبادت در ماه مبارک رمضان به شهادت می‌رسانند . جنازه را به‌طور محرمانه به غسالخانه می‌برند و بی‌سروصدا ایشان را در کاشمر به خاک می‌سپارند .



خلوت سید از زبان خودش

کتاب گنجینه خواب، مجموعه‌ای نه‌چندان مفصل ولی درعین‌حال بسیار با محتوا و ارزشمند - از درس‌ها و یادداشت‌های روزانه شهید سید حسن مدرس در تبعید - انتشار یافته است که باید آن را نقطه عطفی در شناخت این مرد تلقی کرد . گنجینه خواب همان مجموعه‌ای است که پژوهشگران سال‌ها از وجود آن سخن می‌گفتند و بیش از هفتادسال در خفا مانده بود تا اینکه بالاخره از خفا درآمد آنچه در این بخش از نظر شما می‌گذرد . خاتمه‌ی قسمتی از متن دست‌نوشته‌های شهید مدرس است از آنچه اختصاص دارد به بیان دعاها و شرح اعمال و اذکاری که مدرس در دوران تبعید و حبس در خواب به آن‌ها اشتغال داشته است که متن آن از نظر تان می‌گذرد

نظر به اینکه از اول حدوث این حادثه پیش خود منشأ و سببی مربوط به مرتکبین سراغ نداشتم این پیش آمد و سوء تفاهم را به بدی نسبت به خود و مقاصد نوعی و عمومی که همیشه در نظر داشتم تلقی نکرده از خداوند منان از آن ساعت اول حرکت صبر

و اجر نسبت به مصائب مسئلت نموده و می‌نمایم . بعد از استقرار در محبس به خداوند سبحان ملتجی شدم که مرا ظاهراً و باطناً ، عملاً و قصداً در این محبس فقط و به خودش مشغول فرماید - نیتم بر این شد که در این شبانه‌روز دوازده ساعت را مشغول اعمال و اذکار جوارحی باشم از واجبات و غیرها که اقلّ اعمال و اذکار مشتمل بر دوازده هزار مرتبه اسماء مبارک خداوند جل و علی بوده باشد .

به حمدالله و شکره تا این تاریخ به این نیت موفق شده‌ام . امیدوارم که خدای تبارک و تعالی مرا از این گرفتاری نجات دهد . ولی توفیقی که مرحمت فرموده باقی و زیاد فرماید تا انشاء الله تعالی باحال اختیار کامل از اعمال و اذکار و افکار ، قبل از رفتن از دار فانی به مقام رضا و تسلیم و امتثال امر «موتوا قبل ان تموتوا» خود را برسانم .

و بااین حال امیدوارم که به مقام شهادت فی سبیل الله که سال‌های متمادی از خداوند مسئلت نموده‌ام موفق شده و مصداق آیه شریفه « ولا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون » واقع شوم آمین ، آمین ، آمین یا رب العالمین .

اعمال و اذکار من در مدت حبس بر دو نوع است : یکی اذکار و اعمالی که در تمام مدت محبوسیت تقریباً به آن اشتغال داشته‌ام ، دیگری آن‌که در بعضی از اوقات مشغول آن بودم . اما آن اعمالی که در تمام مدت اشتغال داشته‌ام : - بعد از فراق از تعقیب نماز صبح هنگامی که تقریباً " یک ساعت و نیم از آفتاب برآمده بود مشغول نماز قضا از برای خود و جهت والدین و به جهت بعضی از ارحام ذوی الحقوق که تقریباً در خواب به لسان حال از من توقع کردند می‌شدم و به اختلاف کوتاهی و بلندی روزها و اختلاف احوال از چهار شبانه‌روز نماز می‌گذاردم تا دو شبانه‌روز زیارت عاشورا ، که بعد از فراق از نماز قضا مشغول آن می‌شدم و لعن و سلام را در حال قدم زدن که مرسوم دائمی قبل از ظهر بود بجا می‌آوردم .

- بعد از فراق از نماز ، زیارت عاشورا و پس از خواندن هفت و یا چهارده مرتبه چهار قل ، در گوشه ای فی الجمله مشغول مناجات کردن می‌شدم و هزار دفعه استغفار می‌کردم و به صیغه « استغفرالله ربی واتوب الیه » درحالی که مشغول قدم زدن بودم .

پس از فراغت از استغفار در حال قدم زدن مشغول آیات خمس اول سوره (اقراء) می‌شدم تا ظهر به هراندازه که بشود . بسم الله الرحمن الرحيم . اقراء بسم ربك الذي خلق . خلق الانسان من علق . اقراء وربك الاكرم . الذي علم بالقلم ، علم الانسان ما لم يعلم . و خاطر ندارم که هیچ روزی کمتر از یک صد مرتبه شده باشد و بعد از آن مشغول ادای فرضیه شده پس از صرف ناهار می‌خواهیم .

عصر به ختم صلوات اشتغال می‌ورزیدم . هرروزی یک هزار صلوات از برای یکی از چهارده معصوم (از خاتم الانبیا صلوات الله علیه الی حجه عصر عجل الله تعالی فرجه) هدیه می‌نمودم که هر چهارده روز یک ختم کامل می‌شد . این قسمت نیز در حالت قدم زدن بود و در آخر هدیه صلوات آب دمی خود را جهت استشفای فرومی‌بردم و این آب را شربت صلوات نامیده هرروزه عصر از او استفاده می‌نمود و شکر خداوند را به جا می‌آوردم در این موفقیت .

پس از صلوات یک صد مرتبه ذکر « ماشاء الله كان وما لم يشاء لم يكن ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم افوض امری الى الله ان الله بصير العباد » را (که موضوع بعض افکارم بود) در حال قدم زدن غالباً " با تأمل می‌خواندم .

توسل ، هراندازه وقت تا مغرب بود به امام زمان عجل الله فرجه توسل جسته : « یا مولای یا صاحب الزمان ، سه مرتبه الغوث ، سه مرتبه الامان ، سه مرتبه یا مولای یا حجه ابن الحسن ، سه مرتبه ادرکنی ، سه مرتبه یا مولای یا ولی الله یا مولای یا حجه الله مظلوم المستغاث بک یا صاحب الزمان » این ذکر را مکرر می‌کردم در حال قدم زدن تا مغرب هر قدر ممکن می‌شد . مغرب اذان و اقامه گفته فریضه را بجا می‌آوردم با تعقیب و زیارت مختصر .

هزار مرتبه «امن یحیی المضر اذا دعاه ویکشف السوء» در حال قدم زدن می‌گفتم که هر دوازده شب یک مرتبه یک ختم کامل شود .
- در گوشه ای مثل قبل از ظهر مشغول مناجات شده بعد از آن هزار دفعه استغفار کرده منفردا یا مجتمعا " با مأمورین نشسته مشغول خوردن چای و امثال آن شده و در ضمن در تدارک شام می‌شدیم . غالباً " در حدود پنج الی شش از شب گذشته دراز کشیده و اعمال خواب را از قبیل شهادتین و استغفار و غیره هما بجا آورده و حساب روز را می‌کردم و در بعضی اوقات مشغول ذکر « رب انی مسنی الضر وانت ارحم الرحیم » می‌شدم تا خواب مرا برباید .

« علاوه بر این ، که آیت‌الله مدرس به اوصافی چون شهامت و شجاعت بصیرت و تیزهوشی ، صریح الهجه بودن ، نفوذناپذیری ، ساده زیستی و پرهیز از تجملات ، عفو و اغماض ، بیان فصاحت کم‌نظیر و قناعت و مناعت طبع ، صبر و استقامت ، ستم‌ستیزی غیرقابل وصف ، اخلاص و تواضع ، نظم و انضباط ، عظمت خواهی برای وطن ، بی‌اعتنایی به مظاهر بیگانه ، اهل مناجات و عبادات ، بذل و بخشش برای مستمندان و ... آراسته بودند چنان‌که امام فرمودند القاب برای او کوچک است . و چه زیبا در توصیف آن عالم فرزانه فرمود :

«درواقع شهید بزرگ ما مرحوم مدرس ، که القاب برای او کوتاه و کوچک است ، ستاره درخشانی بود بر تارک کشوری که از ظلم و جور رضاشاهی تاریک می‌نمود و تا کسی آن زمان را درک نکرده باشد ، ارزش این شخصیت عالی‌مقام را نمی‌تواند درک کند . ملت ما مرهون خدمات و فداکاری‌های اوست و اینک که با سربلندی از بین ما رفته، بر ماست که ابعاد روحی و بینش سیاسی اعتقادی او را هر چه بهتر بشناسیم و بشناسانیم ...»

منبع . علی اسکندری - پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی . ویژه‌نامه شهید آیت‌الله مدرس (درس‌نامه مدرس) . دبیرخانه شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی .

اندیشه‌های اقتصادی

اقتصاد پویا و شکوفا از ارکان مهم پیشرفت هر جامعه محسوب می‌شود و مردم و دولت را از وابستگی زیاد به اقتصاد خارجی و صنایع آن رها می‌سازد. شهید مدرّس با اعتقاد به این اصل مهم، برای بهینه‌سازی اقتصاد ایران و خودکفایی آن تلاش‌های زیادی کرد و با ارائه‌ی راه‌کارهای مناسب، مردم و سرمداران حکومت را به چاره‌جویی و جبران عقب‌ماندگی‌های کشور فراخواند. مطالب زیر بخشی از دیدگاه‌های اقتصادی این عالم فقیه هست.

لزوم ایجاد کارخانه

آیت‌الله مدرّس با اشاره به نقش دولت در سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت بر ضرورت کارآفرینی برای مردم ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه، تلاش برای بهره‌مند شدن مردم و دولت از منافع کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و مراکز تولید و سازندگی، تأکید نموده و گفته است: «اگر هرکسی پول دارد، بیاورد کارخانه بسازد و از او هم مالیات گرفته نشود و مساعدتی هم بشود، مثلاً اگر یک کارخانه که می‌خواهد بخرد دوازده هزار تومان و دو هزار تومان کسر دارد، دولت باید دو هزار تومان دیگرش را اگر شده قرض هم بکند، بکند و بدهد تا هم آن شخص فایده ببرد، هم عملة جات کار می‌کنند و مزد می‌گیرند و هم به‌جاهای خارج و دوردست نمی‌روند (۱)».

پرهیز از تحمیل مالیات سنگین بر مردم

تحمیل مالیات‌های سنگین به مراکز تولید، کارگاه‌ها و اماکن کسب‌وکار مردم، دغدغه‌های دیگر مدرّس بود. او این روش را مانع ایجاد انگیزه‌ی فعالیت در صاحبان کار و سرمایه می‌دانست و می‌گفت: «عقیده‌ام این است که ما بایستی تحریص و ترغیب کنیم تا هر کس پول دارد به ربح (۲) ده دو و ده چهار ندهد و ببرد کارخانه بسازد، تا هم خودش منفعت ببرد، هم اهل ایران از برکت آن منفعت ببرند (۳)».

سید در زمان دیگر و در بخش دیگری از سخنانش ضمن اشاره به دریافت هفت فقره مالیات که سیر قانونی خود را نگذارده‌اند، می‌گوید: «هفت فقره از مالیات، غیرقانونی است، چون سیر قانونی خود را طی نکرده. به این لحاظ عرض می‌کنم، خوب نیست مجلس رأی بدهد، ولو این‌که دولت بگیرد. دولت حالا هم می‌گیرد. ما چرا تصدیق کنیم؟ مگر تا حالا نگرفته‌اند، چرا می‌خواهند تصدیق ما را رویش بگذارند؟ تصویب و تصدیق ما صلاح نیست (۴)».

سرمایه‌گذاری برای رفع وابستگی به بیگانگان

خودباوری در افکار و اندیشه‌های شهید مدرّس از اصول مسلّم و مهمی بود که آن را به نمایندگان مجلس و سران حکومت گوشزد می‌کرد و معتقد بود، مردم ایران با تکیه بر هویت ملی و دینی خود و همچنین سرمایه‌گذاری در کشور می‌توانند از نظر اقتصادی نیازهای زندگی خود و جامعه را تأمین کنند و مانع وابستگی کشور به بیگانگان شوند.

توازن در دخل و خرج

شهید مدرّس یکی از راه‌های اساسی پیشرفت ایران و بهبود وضع زندگی مردم را ایجاد هماهنگی در عایدات و مخارج دولت و مردم می‌دید و رعایت این اصل اساسی را برای بی‌نیاز شدن دولت از منابع مالی خارجی، ضروری تلقی می‌کرد. او استقراض از کشورهای بیگانه را به صلاح مردم و مملکت نمی‌دانست و چاره را در آن می‌دید که مخارج با درآمدها هماهنگ و توازن داشته باشد. او در این رابطه معتقد بود: «ما باید بدانیم که مالیه‌ی مملکتمان چقدر است؟ چه طور می‌توانیم خرجش را معین کنیم؟ و

شاید بنده این‌طور حل کرده باشم که همین خرج که فعلاً در مرکز عدلیه هست، کم باشد ولی اگر پول نداشته باشیم و محتاج به پول شویم و لازم شود از بعضی ممرها که نمی‌خواهیم تحصیل کنیم و تهیه کنیم، همین مشکلات مرکزی را هم کسر خواهیم کرد... تا تکلیف ما معلوم نیست. نمی‌دانیم پولی داریم یا نداریم (۵).

هزینه شدن درست بودجه

تخصیص اعتبار برای کارهای جاری ایران و بخش‌های مختلف حکومت از جمله مواردی بود که در مجلس شورای ملی مورد تصویب قرار می‌گرفت، و به دستگاه‌های ذی‌ربط ابلاغ می‌شد. این بودجه در بسیاری از موارد در جای خود هزینه نمی‌گردید و باعث می‌شد کارها عاقل و باطل بماند. مردم ناراضی باشند، قشون از حقوق حقّی خود محروم گردند وعده‌ای نیز با استفاده‌های نابجا سرمایه‌های بادآورده‌ای به دست آورند. شهید مدرّس با این نوع هزینه شدن اعتبارات و عواید دولت مخالف بود و می‌گفت: «اگر دولت تشریف بیاورد در اینجا و بفرماید من از برای دو کرور قشون [بودجه] می‌خواهم، امروز [را] بنده روز عید خودم می‌دانم، ولیکن باید بدانیم این پول به مصرف خودش خرج می‌شود. همان‌طور اگر در تمام بودجه صد دینار خرج بیلاق باشد، بنده قبول نخواهم کرد. خلق این مملکت پارسال در این گرما و بی‌یخی مردند و قریب یک کرور مال ملّت خرج بیلاق شد (۶).» شهید مدرّس پیرامون اعتبارات وزارت جنگ که مسئولیت آن با رضاخان میرپنج بود، نظرات ویژه‌ای داشت و ضمن انتقاد نسبت به روند هدایت این وزارتخانه، معتقد بود: «ما مخالف وزارت جنگ نیستیم و مخالف ده میلیون هم نیستیم، اما می‌گوییم این پولی که گرفته می‌شود باید خرج نظام شود نه خرج مارشال، فرانسه یک مارشال دارد، ما هزار مارشال داریم مارشال به درد ما نمی‌خورد، ما سرباز می‌خواهیم. پولی که گرفته می‌شود باید خرج سرباز شود. مارشال در مملکت جنگ نمی‌کند. قشون ما هزار مارشال دارد و من مخالفم با قشونی که هزار مارشال داشته باشد. این پولی که گرفته می‌شود، خرج قشون نمی‌شود (۷).» «مخارج قشون ما، ماهی یک کرور است والان هر چه زیاده‌تر گرفته می‌شود، خرج مارشال‌ها می‌شود و ما مخالفیم با مارشال (۸).»

جلوگیری از استقراض خارجی

وابستگی به کشورهای بیگانه و غفلت از استعدادهای داخلی برای به جریان انداختن سرمایه‌های موجود کشور، عامل اصلی استقراض دولت‌های عصر قاجار و پهلوی از بانک‌های خارجی بوده است. مسئله‌ای که دولت‌های بیگانه در بسیاری از دوره‌های تاریخ با اعطای چند قرضه، امتیازهای فراوانی از دولت ایران گرفته‌اند. شهید مدرّس با اعتقاد به این اصل که «خرج مملکت را خود مملکت باید بدهد (۹)» در یکی از جلسات مجلس اظهار داشت: «به عرض آقایان وزرا، یعنی هیئت دولت می‌رسانم که مطمئن باشند ما دیگر به جهت مخارج جاری مملکت دیناری قرض نخواهیم کرد (۱۰).»

دریافت صحیح مالیات از مردم و پرداخت دقیق حقوق آن‌ها

هم آن‌گونه که شهید مدرّس با دریافت غیرمعقول مالیات و تحصیل آن به مردم مخالف بود، دریافت صحیح آن را برای انجام خدمات شهری و تأمین وسایل و لوازم رفاهی مردم، توصیه می‌کرد. او اعتقاد داشت که «یک خرج متعلّق به شهر است، آن را باید اهل شهر بدهند. مسئله این است که آنچه از مردم گرفته می‌شود، خرج نمی‌شود (۱۱).» او شانه خالی کردن مردم از پرداخت این‌گونه مالیات‌ها را به صلاح آبادی شهرها و کشور نمی‌دانست و آن را خیانت به مردم و ایران تلقی می‌کرد و معتقد بود، «اشخاصی که بقایا دارند و از ادای مالیات استنکاف می‌ورزند، خائنین ملّت و وطن‌فروشان غیرمستقیم مملکت هستند. اگر مالیات خود را می‌دادند، رفع حوائج دولت می‌شد و دولت مجبور به استقراض خارجی نمی‌شد (۱۲).»

علاوه بر این شهید مدرّس بر پرداخت حقّ مردم توسط دولت تأکید داشت و می‌گفت: «به عقیده‌ی من یکی از مطالب اساسی که مملکت را اصلاح می‌کند و اسباب اطمینان مردم به دولت می‌شود، این است که دولت باید هم مطالباتش را بگیرد، هم دیونش را ادا کند. عقیده‌ی من این است که دولت حاضر با مساعدت مجلس شورای ملی در این دوره باید اهتمام بفرمایند و دیون خصوصی و عمومی دولت را تأدیه نمایند... دولت باید اهتمام بفرمایند که این دین عمومی را ... رفع بکنند (۱۳).»

رونق تجارت و صادرات کالاهای ایرانی به خارج

بهبود وضع تجارت، تسهیل صدور کالاهای ایران به کشورهای دیگر و در نظر گرفتن حقوق صادرکنندگان کالا، راه‌کارهایی بود که ایشان برای رفاه و آسایش مردم ضروری می‌دانست. این شیوه از نظر ایشان چند حسن داشت:

۱- ۸. توسعه‌ی صادرات و جذب ارز به داخل کشور؛

۲- ۸. حمایت از تولیدکنندگان داخلی و ترغیب آنان به فعالیت‌های کمی و کیفی گسترده‌تر؛

۳- ۸. جلوگیری از خروج سرمایه‌های داخلی و تشویق سرمایه‌داران به سرمایه‌گذاری در ایران؛

۴- ۸. بهبود زندگی مردم و جلوگیری از فقر بیش از حدّ آنان؛

۵- ۸. جلوگیری از عقب‌ماندگی کشور؛

۶- ۸. کوتاه کردن دست واسطه‌گران بیگانه؛

۷- ۸. اصلاح نظام اقتصادی کشور؛

۸- ۸. ممانعت از ورود کالاهای غیرضروری خارجی به ایران؛

۹- ۸. تلاش برای توسعه‌ی پایدار کشور؛

۱۰- ۸. کیفیت‌بخشی به تولیدات داخلی.

شهید مدرّس درباره‌ی تسهیل شرایط لازم برای صدور کالاهای ایرانی به دیگر کشورها می‌گوید: «مملکت ما محتاج است... محتاج است صادراتش زیاد شود... به عقیده‌ی بنده از این دو سه فقره صادرات‌های که قالی و آنقوزه (۱۴) و کتیرا (۱۵) باشد، نباید گمرک بسته شود. علی‌الخصوص قالی و کتیرا و آنقوزه که درواقع این سه فقره صادرات مهم مملکت ما است، بلکه شاید انشاءالله صادرات ما زیاد شود و چهارتا پول در این مملکت پیدا شود. (۱۶)»

ایشان در ارتباط باصرفه جویی، قناعت نمودن مردم به کالاهای تولید داخل و پرهیز از مصرف کالاهای کشورهای دیگر می‌گوید: «علاج این کار منحصر به این است که مخارج را کم کرد... این وظیفه‌ی خود مردم است که حاضر شوند از امتعه‌ی خارجه به‌قدر احتیاج استعمال کنند و زیاد افراط نکنند و الا پولی که از اینجا بیرون می‌برند، مفت که نمی‌برند، باید در مقابل اجناس وارد، یک‌چیزی ببرند. از داخله که جنس نمی‌برند، عوضش پول می‌برند (۱۷).»

وی در جای دیگر طی سخنانی همه را به استفاده از منسوجات کارخانه‌های داخلی سفارش می‌کند و برای تهیه‌ی لباس مستخدمین دولتی از پارچه‌های ایرانی اظهار می‌دارد: «کلیه‌ی مستخدمین دولت باید لباس آن‌ها از پارچه‌های ایرانی باشد. از متخلفین از این ماده، صدی بیست حقوق کسر خواهد شد، مادام که متلبّس به آن لباس هست (۱۸).» او می‌افزاید: «اگر ما و مستخدمینی که در تمام مملکت هستند و بالغ‌بر چندین هزار نفر می‌شوند، مقید بودند به خریداری البسه‌ی ایرانی، البته کارخانه جات هم تهیه می‌شد و مردم هم سرمایه‌هاشان را خرج می‌کردند و کارخانه می‌آوردند (۱۹)... هر کس ایرانی است و طالب این است که مملکت ترقّی کند، باید صاحب این عقیده باشد (۲۰)»

این جملات بیان‌گر این موضوع هست که شهید مدرس به پایین بودن کیفیت اجناس ایرانی آگاه بوده است. این کالاها، به‌استثنای قالی، آنقوزه و کتیرا به‌گونه‌ای تولید می‌شده‌اند که موردپسند مردم خارج از ایران قرار نمی‌گرفته است و بازرگانان تجار و عوامل از خرید آن‌ها خودداری می‌کرده‌اند.

بهره‌مند شدن همه‌ی مردم از امکانات کشور

این موضوع یکی از نکات ظریف و حسّاسی است که معمولاً در همه‌ی حکومت‌ها و دوره‌های تاریخی مطرح هست. میزان پای بندی حاکمان و سرمایه‌داران نسبت به این موضوع نیز متفاوت است و به‌طور کلی آنچه می‌توان در این مسئله‌ی بسیار اساسی بر آن تصریح کرد، این نکته هست که هیچ‌گاه زمینه‌ی استفاده‌ی یکسان از امکانات کشور و سرمایه‌ها و تسهیلات برای همه‌ی مردم فراهم نشده است و همواره گروه‌های خاصی در جامعه غنی‌تر از دیگران زیسته‌اند و در بسیاری از مواقع به فکر فقیران و نیازمندان جامعه هم نبوده‌اند.

شهید مدرس در یکی از سخنرانی‌هایش در مجلس شورای ملی، نظر خود را بیان کرده و گفته است: «... من بعد لقب و اشراف را کنار بگذارید، زیرا چه غنی و چه فقیر، باید به‌قدر مقدور از این مملکت بهره ببرند و زندگی کنند (۲۱)».

عدل اقتصادی

عدل از دیدگاه مدرس معنا و مفهوم خاصی داشت. در نظر او همه در برابر امکانات جامعه مساوی بودند و باید به یک‌میزان از آن بهره ببرند. او می‌گفت: «عدل آن است که از مورد گرفته شود و به مورد خرج شود. از هم آن‌هایی که گرفته می‌شود، خرج هم آن‌ها شود. این معنی عدل است. از ملت پولی که گرفته می‌شود، به مصارفی برسد که به نفع آن ملت باشد (۲۲)».



اندیشه‌های علمی

استخدام معلمان خارجی و اعزام محصل به خارج از کشور

شهید مدرّس با بهره‌گیری دقیق از اخبار و روایات اسلامی، بر علم‌آموزی و استفاده از دانش و مهارت همگان تأکید داشت. او نه تنها در استفاده از تجربه‌های سایر کشورها محدودیتی قائل نبود، بلکه خواهان استخدام معلمان خارجی و آموزش ایرانیان علاقه‌مند بود. سید حسن مدرّس در یکی از جلسات مجلس شورای ملی (۲۳) با تأکید بر این موضوع اعلام کرد: «امروز که محتاج به علوم اروپا هستیم باید علم را به مملکت خودمان بیاوریم. عقیده‌ی من این است که باید معلم از خارج بیاوریم، ولو این که سالی یک کرور مخارج او باشد (۲۴)». وی در ادامه‌ی این نطق می‌افزاید: «اگر ممکن نباشد، باید شاگرد برای معلمی فرستاد و الا از کلیه‌ی شاگردانی که به خارج می‌روند، ده یک عالم شده و برمی‌گردند و این به زبان مملکت است (۲۵)».

بها دادن به علم و صاحبان علم

یکی از مشکلات جامعه‌ی ایران در بسیاری از دوره‌های تاریخی، بی‌توجهی به جایگاه و ارزش علم و صاحبان آن بوده است. این نوع نگرش و بینش عامل بسیار مؤثری در فاصله گرفتن مردم و غفلت آنان از دانش و علم است. جامعه‌ای که مردم آن، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، گرایشی به علم‌آموزی ندارند، در دراز مدّت دچار عقب‌ماندگی خواهد شد. شهید مدرّس از منتقدان جدی این تفکر بود و برای سوق دادن مردم به علم‌آموزی و کسب دانش و تخصص، کوشش‌های فراوانی داشت. وی در این رابطه گفته است: «اگر به علم ترتیب اثر بدهید، همه می‌روند و تخصص پیدا می‌کنند. تا علم در مملکت ما قدر و قیمت پیدا نکند، مشکل ما حل نمی‌شود و از دنیا عقب می‌مانیم.» (۲۶)

تأسیس دارالترجمه در ایران

شهید مدرّس یکی از راه‌های اساسی انتقال دانش، تجربه و علم کشورهای دیگر به ایران را، تأسیس دارالترجمه می‌دانست. هدف وی از این اظهارنظر این بود که کتاب‌های خارجی به زبان مردم ایران ترجمه، چاپ و منتشر شود تا بتوانند از محتوای آن استفاده‌ی مطلوب ببرند. او ضمن یادآوری اقدامات انجام‌شده در قرن‌های سوم و چهارم هجری و ترجمه‌ی متون گوناگون به زبان عربی، اظهار داشت: «... تمام علوم و فنونی که به‌سوی مملکت جلب می‌شود، باید به لسان اهل مملکت ترجمه شود تا عمومیت پیدا کند. این مملکت تا دارالترجمه پیدا نکند... مثل قرن سوم و چهارم که علوم و فنون را در سایر السنه به لسان عربی ترجمه می‌کردند و تا علوم و صنایعی که محل احتیاج مملکت است به لسان اهل مملکت ترجمه نشود، رفع احتیاج ما نمی‌شود. بلکه مالیه‌ی مملکت می‌رود، اخلاق مملکت می‌رود، ادبیات مملکت می‌رود و عاقبت هم چیزی به دست نمی‌آید (۲۷)».

دریافت علم

طالبان علم و دانش از دیدگاه شهید مدرّس محدودیتی برای دریافت آن ندارند. او بر اساس سخن پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «اطلبوا العلم ولو بالصین»، فراگیری علم و دانش را به همه توصیه کرد و عقیده داشت، علم در هر کجا هست، باید دریافت نمود و آن را آموخت. «جاهل (۲۸) باید علم را در هر کجا که هست جلب کند. خصوصاً وظیفه‌ی اهل ایران و عجم همیشه بر این بوده است و در اخبار هم ذکر شده است که اگر در آسمان هم علمی باشد، آن‌ها را جلب نمایند. این از صفات خاصّه‌ی ایرانی‌ها است که هر جای دنیا هر علمی هست، جلب می‌کند، به‌واسطه‌ی این که علوم متعلّق به معاش و زندگانی است (۲۹)».

شهید مدرّس در بخش دیگری از سخنان خود با تشویق دولت، خواستار جذب معلمان و متخصصان کشورهای هم‌جوار و غیر هم‌جوار شد و به‌قدری این اقدام را مهم توصیف کرد که برای تربیت تعدادی ایرانی واجد شرایط و جذب معلمان خارجی، در نطق عمومی خود در مجلس شورای ملی، از نمایندگان خواست تا دولت را در این کار کمک کنند و دست آنان را باز بگذارند و نظارت نیز داشته باشند: «... من دولت را

تشویق می‌کنم به یک، دو و صد نفر اکتفا ننماید، بلکه در هر کجای دنیا معلمین و متخصصین هستند، حالا به واسطه‌ی مصالحی از دول هم‌جوار اقتضا ندارد، از دول غیر هم‌جوار جلب کنند (۳۰)».

وی ضمن انتقاد به استخدام آن دسته از معلمین خارجی که قبل از این زمان به ایران آمده‌اند، اقدام آنان را بی‌نتیجه خواند و آن‌ها را معلم و متخصص واقعی ندانست و اظهار داشته است: «تا امروز معلّم و متخصصی که در مملکت ما علم بیاورد، نیامده است. فقط یک «یا لمارسن» آمد و در این مملکت یک‌قدم برداشت که اتفاقاً اسباب روسفیدی مملکتش شد. اگرچه بعضی آمدند و روسفیدی را مبدل به روسیاهی کردند. دیگری «شوستر» بود. آن هم چهار روزی آمد و یک‌قدمی در این مملکت برداشت، به مشکلاتی برخورد و موفق نشد و الا دیگر ندیدیم که یک مستشار یا متخصص بیاید و اصلاح نماید. اگر هم بود شاید من نمی‌دانم (۳۱)».

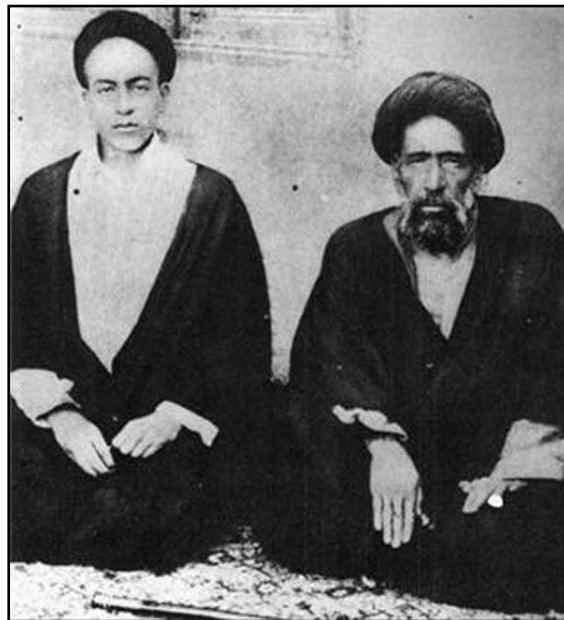
فراهم نمودن منابع مطالعاتی

علاوه بر استخدام معلم از کشورهای خارجی، یکی از راه‌های دیگری که شهید مدرّس برای علم‌آموزی مردم ایران بر آن تکیه داشت، جمع‌آوری کتاب‌های مربوط به هر علم و تخصص است. اگرچه او جذب معلمان و متخصصان خارجی را نفی نمی‌کند، تهیه‌ی منابع مطالعاتی را یکی از اقدامات دولت برای رفع نیاز آنان دانسته و گفته است: «... اگر این کتب به زبان اهل مملکت باشد، صد هزار نفر می‌خوانند و اگر به زبان دیگری باشد، هزار نفر... اگر آقای وزیر معارف میل دارند آن صنایع و علوم که احتیاج مملکت است و در این مملکت نیست و می‌خواهند این مملکت را به واسطه‌ی آن‌ها رو به آبادی و تمدّن ببرند باید سعی کنند کتبی که محل احتیاج است، جمع کنند. اگر هم لازم شده، متخصص هم بخواهند، علمای آن علم را هم که در مملکت هستند، حاضر کنند و آن کتب را ترجمه کنند (۳۲)».



اندیشه‌های نظامی و امنیتی

برخورداری هر کشور از امنیت کامل، قوای نظامی کارآزموده، فعال و مجهز به سلاح‌های روز برای دفاع از آب‌وخاک، آرزوی هر انسان وطن‌پرست است. شهید مدرّس برای برقراری امنیت در ایران و مستعد شدن همه‌جانبه‌ی نیروهای نظامی و امنیتی کشور دیدگاه‌های ارزشمندی دارد که به چند نمونه آن اشاره می‌شود:



مسلّح شدن ارتش به سلاح‌های روز

وابستگی ارتش ایران به سلاح‌های خارجی، موردانتقاد شهید مدرّس بود. ساخت کارخانه‌های اسلحه‌سازی و تولید سلاح‌های مناسب همواره مورد تأکید او بود. هزینه شدن سرمایه‌ی کشور برای خرید سلاح‌های قدیمی و کهنه، انتقاد دیگری بود که او در جمع نمایندگان مجلس شورای ملّی پرده از آن برداشت و ذهن سایر نمایندگان را نسبت به آن حسّاس نمود. وی در این خصوص گفته است: «بنده با این ترتیبی که امروزه راجع به اسلحه معمول و مرسوم است جداً مخالفم، زیرا با این کیفیت حاضر، همیشه یک پول‌هایی از ایران به خارج می‌رود و یک اسلحه‌های کهنه‌ی قدیمی با مخارج زیاد وارد این مملکت می‌شود که پس از چند صباح دیگر ابداً به کار نمی‌خورد. بنده از این دولت یا هر دولت دیگری امیدوارم و منتظرم که سعی اساسی در ترتیب اسلحه بنماید. یعنی یک شالوده بریزد، ولو با هر قدر مخارج هم باشد که یک اساسی برای تأسیس اسلحه ترتیب دهند و یک کارخانه با هر قدر مخارج خطیری هم که باشد در ایران دایر کنند (۳۳).»

سربازگیری در ارتش ایران

تأمین نیروهای ارتش ایران به صورت مقطعی و هنگام بروز خطرات و تهاجم برخی کشورها به اراضی و سرحدات مرزی و نقاط استراتژیک صورت می‌گرفت و نیروهای دائمی کم‌تری در ارتش وجود داشت. سربازان بر اساس نیاز هر دوره و به صورت داوطلب جذب ارتش می‌شدند و در مقابل زحمات و نوع کار، حقوق دریافت می‌کردند. شهید مدرّس با این شیوه سربازگیری مخالف بود و انجام خدمت سربازی را برای همه یک تکلیف می‌دانست. «... این یک تکلیفی است متعلق به هرکسی که حافظ و پاسبان و محب مملکتش است و بنده با این ترتیبی که تاکنون به طریق بنیچه (۳۴) و داوطلب معمول بوده، با هر دو مخالف بودم. زیرا سرباز داوطلب مثل نوکر گرفتن است که بنده می‌خواهم عرض کنم مسئله‌ی سربازگیری باید تکلیفی برای همه‌ی افراد مملکت باشد. یعنی اهالی بر خود لازم بدانند که به مملکت خودشان خدمت نظامی بکنند (۳۵).»

امنیت داخلی و خارجی

از نظر شهید مدرس پرداختن یک‌سویه به امنیت داخله یا خارجه، شیوه‌ی مناسبی نیست. امنیت داشتن مردم و امن بودن راه‌ها، مسئله‌ای بود که به اعتقاد وی فقط از عهده‌ی قشون بر نمی‌آمد. آن‌ها قادر نبودند هم امنیت داخلی را برقرار نمایند و هم از نظر خارجی از تهاجم دشمنان جلوگیری کنند. «همان‌طور که برای شهرها نظمیه‌ی مرتب لازم است، برای حفظ طرق و شوارع هم که مربوط به امنیت داخله است، قوه‌ی امنیه لازم است، که سابقاً هم یک همچو قوه به اسم ژاندارمری داشتیم و بعد منحل شد و به‌صورت دیگری وجود پیدا کرد... از قشون هم تقاضای امنیت داخلی کردن و هم مهیا بودن برای اتفاقات جنگی که پیش می‌آید خیلی مشکل است (۳۶).»

شهید مدرس در بخش دیگری از بیانات خود می‌افزاید: «امنیت از دو راه است. یکی امنیت مملکتی است، یعنی حفظ کردن مملکت از دشمنان خارجی، البته عمده نظر از گرفتن قشون عمومی برای همین نکته است که مملکت دارای قوت و قدرتی باشد تا حدود و ثغور خود را از تجاوزات دشمنان خارجی حفظ و حراست نماید... لکن یک‌چیزی که لازم بود مراعات شود و نشده، مسئله‌ی تکمیل قوا است. (۳۷).»

رفاه مردم در اثر امنیت

هرچ‌ومرج در کشور عوامل گوناگونی دارد. یکی از این علت‌ها وجود نداشتن امنیت هست. شهید مدرس نقش دولت و کارگزاران و نیروهای دولتی را در این مسئله مؤثر می‌داند. او تأمین امنیت برای قشر خاصی از مردم جامعه را تأیید نمی‌کرد و معتقد بود همه‌ی مردم باید از آن برخوردار باشند. او در یکی از نطق‌های خود اظهار داشته است: «بنده تصدیق دارم که امروز مردم چندان آسودگی ندارند و یک قسمت بزرگش از دست مأمورین جزء دولت است. بلااستثنا که فقیر، رعیت، کاسب و تاجر، همه از دست آن‌ها در صدمه هستند. باید قسمی کنیم که از این صدمات راحت باشند. یک قسمت از دست بزرگان محلی است و مردمانی که در حوزه‌ی آن‌ها واقع‌اند، در زحمت هستند. دولت باید با تمام قوای خودش جلوگیری کند که قوی صدمه‌اش به ضعیف نرسد و اگر ما بخواهیم به موکلین خود خدمت کنیم، بنده عرض می‌کنم که موکلین من تمام اهالی ایران است... دولت باید قسمی کند که راحتی از برای تمام مردم فراهم کند (۳۸).»

امنیت و عدالت

شهید مدرس خدشه‌دار شدن امنیت در ایران و دخالت مأمورین دولت در برهم زدن آسایش مردم را مانع بسیار مهم در اجرای نشدن عدالت در کشور دانسته و اظهار داشته است: «خدا می‌داند اگر امنیت کاملاً در ایران برقرار شود و قوه‌ی دولت زیاد شود، آن‌کسانی که دارای ده گوسفند هستند، در این مملکت به‌خوبی می‌توانند زندگانی کنند. اما برخلاف امروز که مأمورین دولت این‌همه فشار می‌آورند و همچنین به‌واسطه‌ی جاری نشدن عدالت که پانزده سال است ما فقط اسم آن را می‌بریم و معنی ندارد (۳۹).»

همچنین او در رابطه با عدالت و امنیت و تأمین‌کنندگان آن می‌گوید: «باید عدلیه، عدلیه باشد. امنیه، امنیه باشد و نظامی هم تفنگ خود را برداشته، توی سربازخانه کشیک بدهد (۴۰).»

توسعه‌ی صنایع هوایی

پس از تخصیص بودجه‌ی وزارت جنگ و مطرح‌شدن آن به‌منظور تصویب در مجلس شورای ملی، مدرس با بخش‌هایی از مواد این بودجه مخالفت کرد. پیش‌بینی نشدن اعتبار برای توسعه‌ی صنایع هوایی و هواپیمایی مهم‌ترین مسئله‌ای بود که شهید مدرس مخالفت شدید خود را ابراز نمود. وی ضمن ناکافی دانستن بودجه‌ی این وزارتخانه، تخصیص آن را غیرمنصفانه دانست و علت لحاظ نشدن بودجه برای صنایع هوایی را از وزیر مالیه سؤال نمود و طی بیاناتی اظهار داشت: «این بودجه مال چهل سال پیش است. امروز باید قسمت بزرگ بودجه‌ی وزارت جنگ مال هواپیمایی باشد. امروز دنیا رو به هواپیمایی می‌رود و باید بودجه وزارت جنگ، خرج بیش‌ترش مال هواپیمایی باشد... امروز جزء عمده‌ی وزارت جنگ خرج هواپیمایی است که هر چه خرجش بشود، زیاد نیست، زیرا جنگ از زمین می‌رود به هوا (۴۲).»



خدمتگزاری

انگیزه‌ی خدمت‌رسانی به مردم لازمه‌ی کار همه‌ی کسانی است که به‌نوعی با اقشار مختلف جامعه یا بخش خاصی سروکار دارند. وجود حس خدمتگزاری در ذهن و قلب هر فرد، انگیزه‌ی خدمت به مردم را تقویت خواهد کرد. اقداماتی که باهدف کمک به افراد صورت می‌گیرد، به‌قدری زیبا و انسانی است که شخص خدمتگزار، احساس رضایت می‌کند. شهید مدرّس، ایجاد این حس را در همه‌ی افرادی که با مردم سروکار دارند، ضروری می‌دانست و فرمود: «کاری که باید کرد، این است که یا به علم، یا به موعظه، یا اسباب دیگر، این حس را در مردم ایجاد کرد. البته قانون را باید حفظ کرد» (۴۳).

خدمت به مردم و هم‌نوعان، صلح و صفا را در همه‌ی جهان به وجود می‌آورد، یا تقویت می‌کند. این کار علاوه بر از بین بردن فساد در جوامع، برای انسان سعادت و خوشبختی به همراه دارد و موجب رضای خداوند متعال خواهد بود. شهید مدرّس، در بخش دیگری از سخنان خود می‌گوید: «تمام مللی که در ایران هستند، همه باید باهم مشغول خدمت به مملکت خود باشند تا مفاسدی که در این مملکت هست رفع شود... نمی‌دانم ما که مقلّدیم در کارهای خودمان، چرا از سایر کارهای خوبی که سایر دول می‌کنند، تقلید نمی‌کنیم؟» (۴۴).

آبادانی و سازندگی

رسیدگی به وضع شهرها و روستاها و مجهّز شدن آن‌ها به همه‌ی امکانات آرزوی همیشگی شهید مدرّس بود. او در جلسه‌ی ۱۴۷ سال ۱۳۴۶ (۴۵) ه ق، مجلس شورای ملی در مورد بازسازی املاک و مغازه‌های تهران و رسیدگی به اوضاع شهر اظهار داشت: «... شخص بنده عقیده‌ام این است، تهران که سهل است، شهرهای دیگر هم که سهل است، دهات ایران هم باید مثل دهات و قصبات (۴۶) اروپا باشد، از حیث ظاهر و مقبولی و خوبی باید تمام بلاد و قصبات ایران مثل اروپا باشد» (۴۷).

وطن‌خواهی و وطن‌دوستی

آگاهی شهید مدرّس از پیشینه و سوابق درخشان ایرانیان و تمدّن کهن آنان، بهترین دلیلی است که او در گفتار و کردار خود به‌گونه‌ای رفتار می‌کند تا مردم و مسئولان را نسبت به هویت ملی، وطن‌دوستی و ایرانی بودن، حسّاس نماید. همچنین، دین و نقش آن در زندگی آنان را که همواره چراغ روشنی برای تشخیص خوب و بد، زشتی و زیبایی و حق و باطل بوده است، یادآور می‌شود: «علاقه به وطن و دوست داشتن آن، انگیزه‌ای است که مردم همه‌ی کشورها از آن برخوردار هستند و اگر گاهی عده‌ای از مردم برخلاف مصالح سرزمین خود اقدامی می‌کنند به دلیل مسائل سیاسی و مالی است. این افراد جهت رسیدن، به مقام، منصب، ثروت و کسب موقعیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وطن‌فروشی می‌کنند. شهید مدرّس دریکی از جلسات مجلس پنجم شورای ملی، وطن‌خواهی و وطن‌دوستی را یکی از احساسات اصلی و اساسی نمایندگان دانسته و بر پابندی آنان نسبت به این مسئله تأکید نموده است. او در این زمینه می‌گوید: «من خیال می‌کنم، وطن‌خواهی و وطن‌دوستی که ما می‌گوییم این است که ارض خودمان را دوست بداریم و اهل آن ارض را هم مثل خودمان و از خودمان بدانیم (۴۸)». این جمله بیان‌گر این موضوع است که مدرّس نه‌تنها به وطن خودش اهمیت می‌دهد، بلکه برای وطن مردم دیگر هم احترام قائل است. او دل‌بستگی به ایران را به‌صورت مشخص بیان می‌کند و نشان می‌دهد که برای حفظ تمامیت ارضی، استقلال و آزادی آن باید از هیچ کوششی دریغ ننمود. شهید مدرّس دریکی از یادداشت‌های خود می‌نویسد: «همه‌جای این جهان سرزمین من است و من از میان این سرزمین‌ها، سرزمین‌های اسلامی را بیش‌تر دوست می‌دارم و از میان سرزمین‌های اسلامی، نسبت به ایران علاقه‌ی خاصی دارم و در ایران هم نسبت به اصفهان ... دل‌بستگی‌ام زیاد است (۴۹)».

علاقه‌ی مدرّس نسبت به ایران و وجود حس ایران‌دوستی و وطن‌خواهی و داشتن هویت ملی در او به‌قدری زیاد است که می‌گوید: «هرکسی بدون اجازه وارد خاک ایران بشود، خواه عمامه‌ای باشد، خواه شاپویی (۵۰)، او را با تیر می‌زنیم. بعد اگر مسلمان بود بر او نماز می‌خوانیم و گرنه، چالش می‌کنیم (۵۱)».

حفظ دیانت، قومیت و ملیت

بدون تردید برای بقای دین، ملیت و قومیت، جلوگیری از تحریف و آسیب‌پذیری آن‌ها، باید در حفظ دست آورده‌ها، آثار، نشانه‌ها و اصول هر یک تلاش شود. در جهان امروز بسیاری از بیگانگان و حتی دشمنان داخلی ایران و اسلام، برای زدودن چهره‌ی واقعی و اصیل ایرانی و اسلامی به‌صورت زیرکانه و مرموز فعالیت می‌کنند. مسئله‌ی بسیار مهمی که درگذشته نیز وجود داشته و وطن‌پرستان و آزادی خواهان این نگرانی را به مردم منتقل نموده‌اند. شهید مدرّس ازجمله کسانی است که در عصر مشروطه برای مصون ماندن ملیت و دیانت مردم ایران متحمل زحمات فراوانی شد. او دراین‌باره می‌گوید: «باید یک‌قدم‌هایی که مقتضای حفظ دیانت و حفظ قومیت و حفظ ملیت خودمان است، برداریم و هیچ کاری و هیچ‌چیزی را مقدّم بر این کار قرار ندهیم و نگذاریم که این مسئله زیادت‌ر از این، اسباب خرابی جامعه شود که مبادا یک ضرر عظیم‌تری بر ما مترتب گردد و خدای‌نخواسته حال ما از این‌روزی که هستیم بدتر شود (۵۲)».

ارتباط نوگرایی و روشن‌فکری با وطن‌خواهی و وطن‌دوستی

افکار نو و الگوهای جدیدی که نه‌تنها مخالف اندیشه‌ها و آرمان‌های دینی نبود، بلکه برای پیشرفت و ترقی مردم و جامعه ضرورت داشت، از جانب شهید مدرّس حمایت می‌شد. شرایط زمانی و مکانی، دو عامل اساسی بود که او در اعلام مواضع اش به آن‌ها توجه داشت و اندیشه‌ی ایرانی بودنش و بُعد هویت ایرانی و دینی، ملاک‌هایی بودند که افکار روشن‌فکرانه و مخرب سبب حذف آن‌ها در ذهن او نمی‌شد.

وحدت و یکپارچگی

شهید مدرس اتحاد، همدلی و همکاری در اصول را، اساس کار برنامه ریزان، نمایندگان، قانون‌گذاران و سران حکومت می‌دانست، تفاوت سلیقه‌ها را قبول داشت و معتقد بود هر کس باید نظر خود را آزادانه مطرح کند. شهید مدرس پس از ورود به مجلس دوم شورای ملی، طی بیاناتی نمایندگان را به حفظ وحدت و یکپارچگی دعوت کرد و خواهان حفظ جایگاه مجلس از سوی نمایندگان شد.

آزادی خواهی

آزادی، لازمه‌ی یک زندگی کامل است. انسان هر قدر هم در رفاه باشد ولی از آزادی برخوردار نباشد، زندگی او معنا و مفهوم منطقی و واقعی ندارد. انسان در پرتو آزادی‌های مشروع و در چارچوب درست هر نوع آزادی می‌تواند، برای رفاه خود، جامعه و هم‌نوعانش فعالیت کند.

۱. ضرورت آزاد بودن

شهید مدرس «حقیقت زندگی» را در «داشتن آزادی» می‌دانست و می‌گفت: «حقیقت زندگی، آزادی است. اگر انسان آزاد نباشد، مرگ و زندگی‌اش یکسان است» (۵۳).

۲. آزاد بودن با بی‌رغبتی به دنیا

همچنین وی دلیل برخورداری خودش از آزادی بیان را در این نکته می‌دانست که نسبت به متاع دنیا بی‌رغبت است، از کسی درخواست و خواهش نمی‌کند و بارش سبک است. او در این رابطه می‌گوید: «اگر من نسبت به بسیاری از اسرار آزادانه اظهار عقیده می‌کنم و هر حرف حقی را بی‌پروا می‌زنم، برای آن است که چیزی ندارم و از کسی هم چیزی نمی‌خواهم، اگر شما هم بار خود را سبک کنید و توقع را کم کنید، آزاد می‌شوید» (۵۴).

۳. حفظ انسانیت و آزادی

مدرس در بیان دیگری «حفظ انسانیت» و «آزادی» را در رها شدن از هرگونه «قیدوبند» می‌داند و می‌افزاید: «باید جان انسان از هرگونه قیدوبندی آزاد باشد تا مراتب انسانیت و آزادی خویش را حفظ کند» (۵۵).

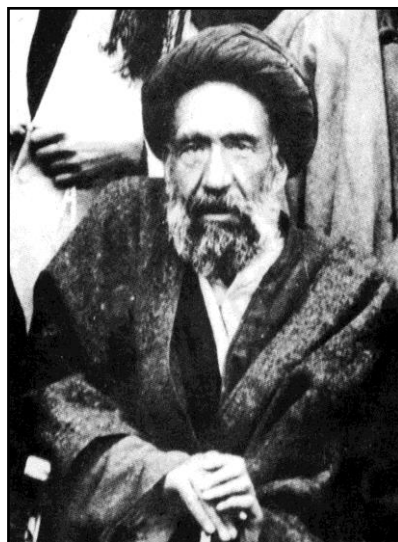
۴. بیان عقیده

شهید مدرس در بیان دیگری ضمن توصیه به نمایندگان مجلس، اظهار داشته است: «هر کس باید عقیده‌ی خود را بگوید و حاکم قانون اساسی است. هر چه قانون اساسی گفته است، باید عملی شود» (۵۶). و در جای دیگری می‌گوید: «من عقیده‌ی خودم را اظهار می‌کنم ولو مخالف با تمام مردم روی زمین باشد» (۵۷).

عباس رضائی .

زیربنای رشد و توسعه اقتصادی از نگاه شهید مدرس

منبع: کتاب اندیشه های اقتصادی شهید آیت الله سید حسن مدرس (۵)



یکی از مسائل مطرح در ایران معاصر که در مواجهه با پیشرفت کشورهای اروپایی شکل گرفت، مسئله توسعه نیافتگی است. صاحب نظران علوم مختلف هرکدام با توجه به زمینه های مطالعاتی و عملی خود راه حل هایی ارائه داده اند. گرچه مباحث مربوط به توسعه نیافتگی تنها به موارد اقتصادی محدود نمی شود. بلکه مجموعه ای از عوامل مختلف (اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی و غیره) را در بر می گیرد. اما اقتصاد یکی از پایه های اصلی توسعه جوامع محسوب می شود. در این قسمت به اندیشه و نظرات شهید مدرس در زمینه ی راه های توسعه از منظر اقتصادی پرداخته شده است.

۱- حمایت از تولید داخلی: همان طور که در ابتدای این فصل به آن اشاره شد یکی از ویژگی های اقتصادی ایران در آن زمان ورود کالا از اروپا به ویژه پارچه و البسه بود. این مسئله نگرانی بسیاری از اندیشمندان را در پی داشت. متعاقب آن طرح پوشیدن البسه وطنی در مجلس چهارم مطرح شد. این مسئله ابتدا توسط شهید مدرس پیشنهاد گردید. در این مورد در جلسه ۱۶۸ مجلس چهارم فرمود: «می خواستم از آقایان سؤال کنم؛ مستخدمینی را که برای ادارات استخدام می کنید و از مالیه ملت به آن ها پول می دهید اگر بنا شود لباسشان را از پارچه هایی که خود ملت تهیه کرده خریداری کنند چه عیبی خواهد داشت و چه نقصی وارد می آید؟» از نظر ایشان پوشیدن لباس های ساخت داخل دو دستاورد به دنبال خواهد داشت. اول رشد صنایع و دوم خارج نشدن سرمایه از مملکت «اهل صنایع که فهمیدند صنایع ایشان طالب دارد شروع می کنند به ازدیاد صنایع» ایشان فقر و احتیاجی را که جامعه با آن مواجه است، ناشی از این می داند که سرمایه خارج می شود و در عوض پارچه، لباس و پوشاکی وارد کشور می شود که خود جامعه ایران توانایی تولید آن را دارد. در همین جلسه سخن مخبر کمیسیون فواید عامه را تایید می کند و می گوید وزرا و اعیان و درباریان و نمایندگان هم لباس های داخلی را بپوشند و حتی مدرس می گوید یک ماده واحده قانونی گذرانده شود که عموم را ملزم کند به پوشیدن البسه وطنی. اما او ابراز تأسف نیز می کند که ما نمایندگان حق الزام نداریم و فقط می توانیم نصیحت کنیم. بعد از مذاکره بین نمایندگان پیشنهاد مدرس و عده ای دیگر از نمایندگان به صورت زیر قرائت و با رای اکثریت تصویب شد. «بعد از یک سال از اجرای این قانون کلیه ملبوس اوقات کار مستخدمین در ادارات کشوری اعم از لباس که از طرف دولت به مستخدمین داده می شود و یا خود آن ها تهیه می کنند باید از منسوجات و مصنوعات ایران باشد.»

حمایت از تولیدات داخلی و ایجاد زمینه های اقتصاد رقابتی یکی از راه های پیشرفت اقتصادی جوامع است. مدرس در این رابطه در جلسه ۳۱۳ مجلس دوم می گوید: «اولیای امور البته از هیئت وزرا و وکلای ملت و سایرین باید کمال مساعدت را در این گونه مطلب بکنند و هم خودشان بر این بگمارند که اجناس داخل رواج بگیرد و مقدم باشد.»

۲- استفاده از متخصصین داخلی جهت بهره برداری از معادن: مدرس در خلال مذاکره پیرامون مسئله نفت شمال در جلسه ۱۶۹ مجلس چهارم به وجود معادن متنوع در کشور اشاره می کند و می گوید که چه خوب است که این معادن توسط خود مردم ایران به بهره برداری برسد. «شاید این ذخیره که از قدیم مانده است امروز موقعش است که اهل مملکت شروع به استفاده کنند و اگر ممکن باشد تمام معادن را استخراج کنند. گمان می کنم در مملکت ما کمتر معدنی باشد که وجود نداشته باشد و چیزی بهتر از این نیست که خود اهالی مملکت از این نعمت های خداداده بهره مند شوند و شاید به توفیق خداوند بتوانیم کارخانجات و راه آهن و علوم و صنایع جدید و بالاخره از تمام آنچه را که دنیای کنونی دارد و ما نداریم در مملکت خودمان ایجاد و تاسیس کنیم.» در ادامه مدرس از نبود اسباب و وسایل لازم و نبود متخصص و سرمایه لازم و نبود امنیت کامل ابراز تأسف می کند و می گوید که کم کم باید اصلاح و تکمیل شود.

در مورد واگذاری معادن به اشخاص داخلی می گوید: «ثروت مملکت ما که دفن است و مردم فقیرند، باید دولت در نظر داشته باشد که امتیازات بدهد به خصوص به اتباع داخله با شرایط سهله که واقعاً مردم از این فقر و فلاکت بیرون بیایند.» بارها در مجلس بر اینکه چرخ های اقتصادی به دست خود ایرانی ها فعال باشد تأکید می کند و می گوید که نباید امتیاز زیادی به خارجی ها داد. «انسان چه یک نفر باشد چه یک شرکت باشد چه یک مملکت، ملکش را اجاره می دهد، امتیاز می دهد، شرکت تاسیس می کند. در مواردی که خود نتواند. اما اگر کسی ملک خودش را خودش بتواند زراعت کند اجاره نمی دهد. یا اگر خودش بتواند استخراج معدن کند اجاره نمی دهد. کما اینکه در دول اروپا معدنی که خودشان دارند امتیاز به جای دیگر نمی دهند چون لوازمش را دارند، متخصص دارند، امروزه که مملکت ما که خیلی از آقایان به دول متمدنه ایاب و ذهاب کرده اند و در کارها بصیرت پیدا کرده اند، گمان من این است که ما هر چیزی را نمی توانیم با دیگران شریک شویم، خصوصاً شیلات که ماهی هایش مال ما، رودخانه اش مال ما، اثاثیاتش هم اصلاً مال ما، آدم هم داریم. این جور چیزها را بیاییم امتیاز بدهیم، هیچ مقتضی نیست.» به این ترتیب مدرس با امتیاز واگذاری شیلات به شرکت های خارجی مخالفت کرد.



۳- جلوگیری از خروج سرمایه از کشور: در جریان مذاکرات پیرامون نفت شمال که شهید مدرس مسئله اولویت داشتن و تقدم خود ایرانی‌ها بر خارجی‌ها جهت بهره برداری از معادن را مطرح کرد، یکی از نمایندگان مجلس به نام سید یعقوب می‌گوید که ما عقب افتاده‌ایم و توانایی بهره برداری از نفت را نداریم. مدرس در جواب او می‌گوید: «علت عقب افتادگی ما این است که پولدارهای ما پول‌های خودشان را در بانک‌های خارجی می‌گذارند و از این جهت ما از پول عقب افتاده‌ایم و محصلین ما هم که از زمان ناصرالدین شاه تا حالا که هزاران نفر به اروپا رفته‌اند، علم و صنعتی که به درد ما بخورد ندیدیم بیاورند.»

ایشان ورود اجناس خارجی و خروج سرمایه از مملکت بابت خرید اجناس خارجی را یکی از عوامل عقب ماندگی اقتصادی بیان می‌کند و به مردم پیشنهاد می‌کند که از جامعه خارجی به قدر احتیاج استفاده کنند و زیاد افراط نکنند.

۴- ایجاد صنایع و تاسیس کارخانه در کشور: در راستای توسعه صنعتی کشور شهید مدرس هنگام طرح لایحه‌ی کارخانه کبریت سازی تبریز، از لوایح آن دفاع کرد. در خلال مذاکرات در لوایح قانونی این کارخانه گفت: «مملکت ما پر از عمله است، همه فقرا و ضعیف و کارگر و عمله هستند. ما که کارخانه نداریم، پس بایستی یک کاری کرد که کارخانجات زیاد شود تا این عمله جات هم منتفع شوند.» در این جلسه تاکید می‌کند که باید صاحب کارخانه مورد حمایت قرار بگیرد. مدرس در زمینه عمران و تهیه زیرساخت‌های توسعه معتقد است که باید شرایطی در جامعه ایجاد شود که کسانی که پول دارند، پول خود را به شکل نزول به مردم ندهند؛ بلکه با پول خود به امور صنعتی بپردازند و کارخانه و صنعت ایجاد کنند تا هم خودشان و هم جامعه بهره ببرد: «رعایت ضعف‌های مملکت ما این است که املاکمان را آباد کنیم و کارخانه بسازیم. ما باید تحریص و ترغیب کنیم تا هر کس پول دارد به ربح ده دو و ده چهار ندهد، ببرد کارخانه بسازد تا هم خودش منفعت ببرد و هم اهل ایران از پرتو آن منفعت ببرند.» حتی بر این باور است که از کارخانه مالیات گرفته نشود و حتی دولت به او کمک کند. «اگر هر کس پول دارد بیاورد کارخانه بسازد و از او هم مالیات گرفته نشود و مساعدتی هم بشود تا هم آن شخص فایده ببرد و هم عمله جات کار می‌کنند و مزد می‌گیرند و هم به جاهای خارج و دور دست نمی‌روند.» پیشنهاد مدرس در مورد ماده ده مورد قبول قرار گرفت و جهت اصلاح به کمیسیون برگشت.

اهمیت و جایگاهی که مدرس برای ایجاد صنایع در کشور قائل بود باعث شد؛ در جلسه حل اختلافی که بین حاج محمد حسین کازرونی و عطاء الملک دهش صاحبان کارخانه وطن (کارخانه هفت دست) نخستین کارخانه ریسندگی و بافندگی مدرن، پیش آمده بود شرکت کند و در رفع اختلاف بکوشد. این جلسه در منزل شخصی سردار سپه (رضاخان)، با حضور طرفین و مدرس و آیرم و حاج معین بوشهری و حاج محمد حسین امین الضرب و اسلامیة تشکیل شد و اختلاف دو طرف را حل کردند

۵- راه آهن زیربنای رشد و توسعه اقتصادی: شهید مدرس راه آهن را یکی دیگر از عوامل رشد و توسعه بیان می‌کند و بر این باور است که بین راه آهن و رشد اقتصادی رابطه مستقیم وجود دارد. وی حیات هر مملکتی را مربوط به اقتصاد آن مملکت می‌داند و رشد اقتصادی و آبادانی مملکت را هم وابسته به راه آهن. در ادامه می‌افزاید هر کس که ما را به امتداد راه آهن هدایت کند، خدمت بزرگی کرده است و قدم برداشتن در این راه به طوری که شروط سیاسی نداشته باشد و پشیمانی به دنبال نداشته باشد، اولین وسیله نجات کشور است.

مدرس راه آهن را از الزامات امور کشور می‌شمارد که هرچه زودتر ساخت آن باید شروع شود و هر ساعتی زودتر انجام بگیرد بهتر است. در تصمیم گیری در این گونه مسائل کلان می‌گوید خوب است که جوانب امر سنجیده شود و از جهات متعدد مورد بررسی قرار گیرد و مصالح کشور در نظر گرفته شود. «از جهت اقتصادی - سیاسی، مصالح مملکت و مصالح اجتماعی این‌ها را

یک کسی که تجربیاتی کرده باشد و البته متخصصین که خیلی در این کارها عمر صرف کرده باشند آن‌ها می‌فهمند؛ و انشاء الله روزی بیاید که دارای خط آهن شویم.»

نه تنها مدرس بلکه بسیاری از رجال روشن بین و آگاه جامعه آن روز ایران به لزوم ایجاد راه آهن واقف بودند. لرد کرزن در کتاب ایران و قضیه ایران نوشته است که تمام رجال و بزرگان ایران از شاه گرفته تا دیگران به اهمیت حیاتی راه آهن توجه دارند و می‌دانند که احداث راه آهن در کشور متضمن چه ترقیات و پیشرفت‌هایی خواهد بود. در ایران لایحه احداث راه آهن در مجلس ششم مطرح شد. ماده سوم این لایحه که در جلسه ۶۷ مجلس، مورخه ۱۴ اسفند ۱۳۰۵ مطرح شد؛ عبارت بود از ساختن راه آهن مزبور موافق نقشه متخصص راه آهن که با تصویب مجلس شورای ملی استخدام شده و در تحت نظارت معزیه بر حسب دستورالعمل دولت انجام می‌گیرد. مدرس پیشنهاد کرد به ماده سه این تبصره اضافه شود: راه آهن مزبور که از دو نقطه خور موسی و بندر جز شروع و بر طبق نقشه متخصص فوق و موافقت آن با صرفه و صلاح مملکت امتداد می‌یابد؛ در هر نقطه که نسبت به یکی از شهرهای مهم مثل اصفهان و غیره موافق تشخیص متخصص موقع پیدا کند بدون فوت وقت راه آهن به شهر مهم نیز ساخته شود. مدرس در توضیح پیشنهاد خود می‌گفت: «راه آهن در مملکت حکم شریان را دارد در بدن. ولی اگر هم درست نرفت ممت را می‌آورد نه حیات را.»

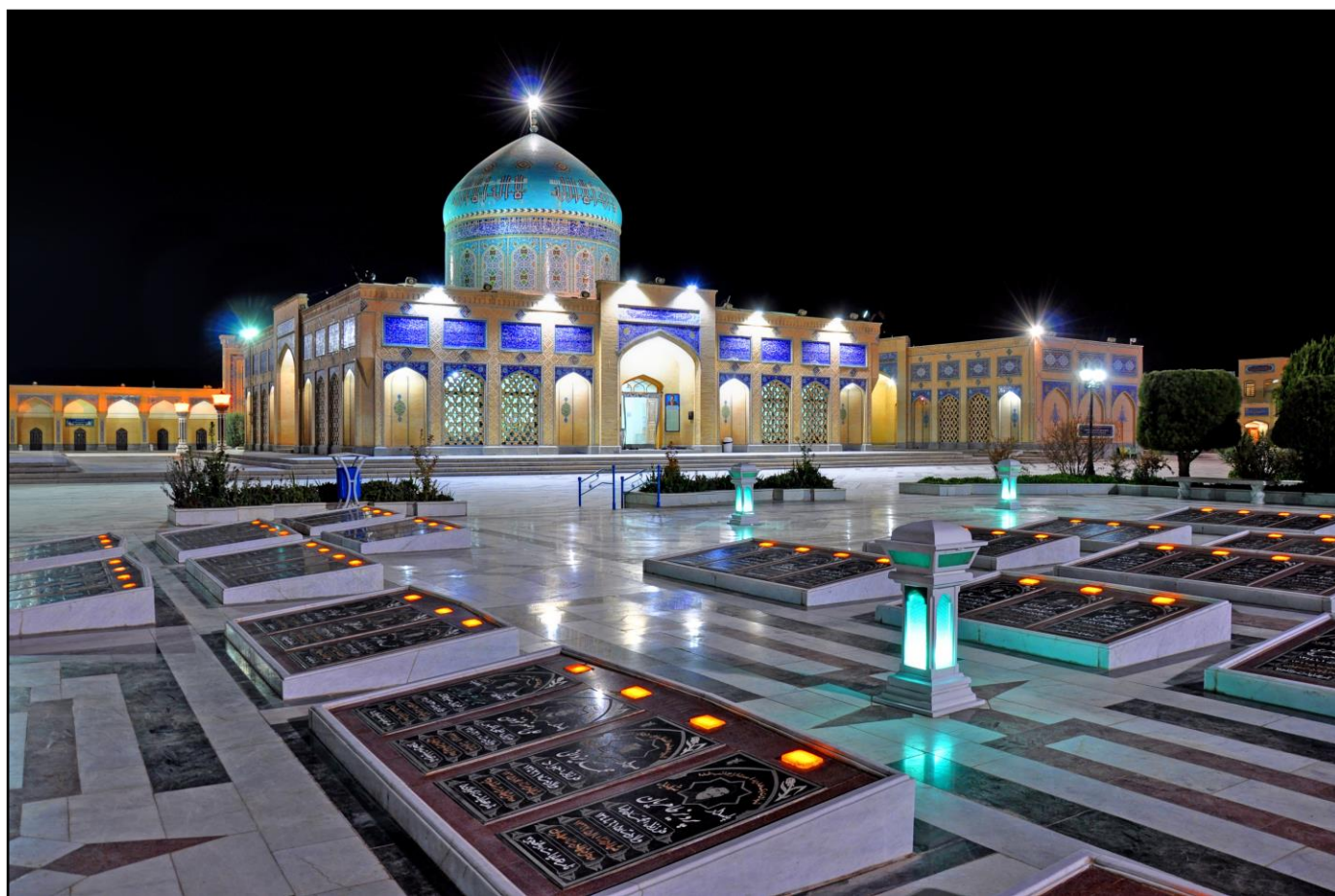
۶- بی مورد خرج نشدن بودجه مملکت: مدرس معتقد بود که مصرف بودجه باید اساس منطقی داشته باشد و بی مورد خرج نشود. بنابراین از هزینه تراشی‌های بیجا انتقاد کرده و بر این عقیده بود که دولت باید به سوی کاهش هزینه‌ها حرکت کند تا هزینه اضافی بر اقتصاد کشور تحمیل نشود. در همین راستا در جلسه ۱۳۵ مجلس ششم با لایحه کمیسیون محاسبات مبنی بر بودجه روضه خوانی در مجلس شورای ملی مخالفت کرد. مضمون لایحه پیشنهادی این بود که نظر به این که در سنوات گذشته اقامه عزاداری و سوگواری حضرت خامس آل عبا(ع) در سه روز آخر صفر در مجلس شورای ملی برقرار می‌گردد و محلی مخصوص برای مخارج آن خارج از بودجه منظور بوده و در نهایت ماده واحده‌ای را به مجلس پیشنهاد و درخواست می‌کند که مبلغ دو هزار و پانصد تومان از وزارت مالیه علاوه بر بودجه مصوب مجلس دریافت دارد. مدرس با این لایحه مخالفت می‌کند و در خلال سخنان خود می‌گوید: «ما حاضر نیستیم یک شاهی بیجا خرج شود ولو در مصیبت حضرت سیدالشهدا.»

شهید مدرس خرج کردن از بیت المال برای کسانی که برای عموم کار نمی‌کنند را نیز یکی از موارد هزینه‌های نابجا می‌داند. در این زمینه در جلسه ۳۱ مجلس چهارم فرمود «من می‌گویم مال بیت المال عمومی مسلمین را نباید مفت به کسی داد. مذهب من هم همین طور می‌گوید که مال عموم را نباید به کسی بدهند که برای عموم کار نمی‌کند. این خلاف ضرورت تمام ملل دنیاست که مال کسی را به کسی دهند که برای او کار نمی‌کند ... برای اینکه مال، مال عموم است و هرکس خدمت به عموم کند، مزد به او می‌دهند.»

۷- واگذاری خالصجات به مردم جهت رونق کشاورزی: در زمینه رشد اقتصاد داخلی یکی از موارد مورد نظر مدرس اقتصاد زراعتی و کشاورزی است. ایشان می‌گویند: مملکت ما مملکت فلاحتی است، و تاکید می‌کند که باید دقت نمود فلاحت و زراعت را رواج داد. مدرس از خالصجات (خالصجات دولت و خالصجات انتقالی) نیز سخن می‌گوید: «تمام خالصجات در ایران خراب است و منافعی که باید از املاک عاید دولت و مردم بشود عیش هم امروز عاید نمی‌شود و این به واسطه خرابی خالصجات است. عقیده من این است که اگر بخواهند زراعت در این مملکت اهمیت پیدا کند، و اگر بخواهند مردمان بیکار یک قسمتشان مشغول کار شوند و دولت هم از این مخارج خالصجات و خرابی آن خلاص شود باید به مصرف فروش برسانند.» در ادامه یاد آوری می‌کند که

ما نمی‌گوییم خالصه را مجانی به کسی بدهند، خیر عرض می‌کنم اگر خالصه دولت را به مزایده بفروشند، هم مردم صاحب ثروت می‌شوند، هم مملکت آباد می‌شود، هم منافع آن را می‌برند

۸- حمایت از صادرات: مدرس بر حمایت از تولید کالاهای صادراتی تاکید می‌کند، و می‌گوید که مسئله صادرات باید ساماندهی و قانونمند باشد و از سویی بر آن‌ها نباید گمرک بسته شود. «امروز که مملکت ما محتاج است ملاحظه امور اقتصادی بشود، با این که مبانی این کار را هم همه می‌دانیم که محتاج است صادراتش زیاد شود، بهتر این است که تکلیفی برایش معین کنیم. چون دو سه فقره صادرات داریم که اشکالات زیادی چه در اینجا و چه در سرحدات برای آن‌ها تراشیده می‌شود، بنابراین گمان من این است باید همان طور که ترتیبی داده شود و به عقیده بنده این دو سه فقره صادراتمان که قالی و آنقوزه و کتیرا باشد نباید گمرک بسته شود، علی‌الخصوص قالی و کتیرا و آنقوزه که در واقع این سه فقره صادرات مهم مملکت ماست؛ بلکه انشاء الله صادرات ما زیاد شود، و چهار تا پول در این مملکت پیدا شود.»



زیارتگاه عاشقان

با شهادت آیت ... مدرس دردهم آذر ۱۳۱۶ و آگاهی مردم از این جریان ، بر قاتلان و عاملان این حادثه لعن و نفرین فرستادند . از همان روز مردم کاشمر به زیارت قبر شهید مدرس می‌رفتند و در تاریکی شب گنج و آجر می‌بردند و ظاهر قبر را می‌ساختند ولی روزها مأموران شهربانی آن‌ها خراب می‌کردند. پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ و تبعید رضاخان، مردم بر تربت پاک آیت ... مدرس^(۵) جمع شدند و به کمک هم قبر را تا ارتفاع یک متر از زمین بالا آوردند و روی آن سنگ کوچکی نصب کردند که بر آن نوشته شده بود «قبر آقای شهید» .



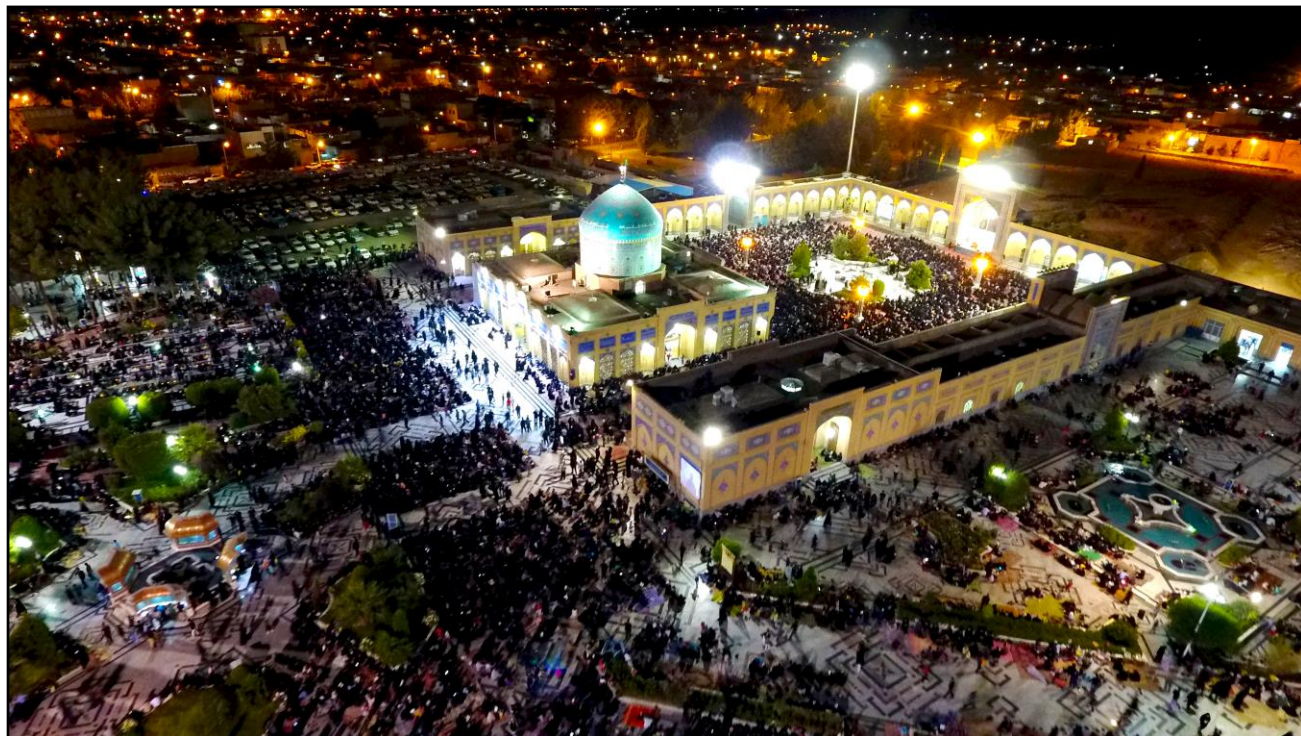
در سال ۱۳۳۲ هـ ش با همکاری مردم کاشمر و مرحوم سید اسماعیل فرزند شهید مدرس بنایی با یک اتاق و یک ایوان کوچک در جلو آن احداث شد. این بنا تا پیروزی انقلاب پابرجا بود . اوایل انقلاب ابتدا بنایی با ستون‌های مرتفع ساخته شد که مورد قبول واقع نشد .

در شهریور سال ۱۳۶۳ امام خمینی^(ره) به پاس خدمات ارزشمند و انقلابی این چهره متقی و زاهد و نقش مؤثر او در حوادث تاریخی طی حکمی خطاب به تولیت فقید آستان قدس رضوی، فرمودند که زیارتگاه این اسوه شجاعت و فرزangi در وجهی مناسب با شخصیت آن بزرگوار احیاء گردد

و در تاریخ ۱۳۷۳/۴/۴ به برکت نظام مقدس جمهوری اسلامی در سایه الطاف حضرت علی بن موسی‌الرضا(ع) و صدور حکم تاریخی مقام معظم رهبری مبنی بر تفویض این موسسه به آستان قدس رضوی، این زیارتگاه علاوه بر جنبه زیارتی و سیاحتی به قطب بزرگ فرهنگی منطقه مبدل گشته است.



در راستای تحقق منویات مقام معظم رهبری در منشور هفتگانه آستان قدس رضوی مبنی بر خدمت به زائران، نیازمندان و مستضعفان و همچنین استفاده از ظرفیت عظیم فرهنگی آستان قدس رضوی در فضای عمومی کشور، این موسسه مفتخر است تحت مدیریت توانمند و راهنمایی‌های ارزشمند تولیت معزز گام برداشته و خدمت به زائران و مسافران و مجاوران و مستمندان و مستضعفان را در دستور کار خود قرار دهد.



این زیارتگاه هم‌اکنون با خدمات ماندگار و ارزنده و با امکانات و تسهیلات عبادی، فرهنگی، رفاهی و اقامتی در خدمت زائرین حضرت رضا(ع) و مجاورین آقای شهید بوده و سالیانه برنامه‌های مختلف و متنوعی را در شش حوزه قرآن و معارف اسلامی، نماز و دعا، تبلیغات و انتشارات مذهبی، فرهنگی و هنری، تکریم زائر و موقوفات برگزار می‌نماید.





از جمله شاخص ترین برنامه های این زیارتگاه عبارت اند از .

* برگزاری نماز عید سعید فطر به صورت متمرکز در شهرستان در زیارتگاه شهید آیت ... مدرس (ره)

* برگزاری شب های پرفضیلت قدر با حضور گسترده زائرین و مجاورین

* برنامه ریزی جهت عزاداری بیش از ۵۰ هیئات مذهبی در دهه اول محرم در زیارتگاه شهید آیت ... مدرس (ره)

* برگزاری ویژه برنامه های دهه کرامت و بزرگداشت شهادت آیت ... مدرس (ره) با حضور اقشار مختلف مردم شامل محافل ادبی و

قرآنی ، مسابقات فرهنگی جهت رده های سنی مختلف ، همایش ها و ...

* برگزاری محافل انس با قرآن کریم در طول سال با حضور قاریان بین المللی



* برگزاری گفتمان دینی و معرفتی در قالب همایش و سلسله نشست ها به صورت هفتگی و ماهیانه جهت گروه های مختلف اعم از

بانوان قرآنی شهرستان ، دانش آموزان و ...

* دعوت از سخنرانان و مداحان برجسته کشوری در مناسبت های مختلف در طول سال

* برگزاری کلاسهای اوقات فراغت در رشته‌های مختلف قرآنی، هنری و آموزشی و همچنین و کلاسهای آموزش علوم قرآن و پیش‌دبستانی مهدالرضا ویژه نونهالان با بهره‌گیری از مربیان مجرب با همکاری اداره آموزش علوم قرآن و حدیث آستان قدس رضوی



* برگزاری مسابقات متنوع فرهنگی و علمی کتاب‌خوانی در طول سال در مناسبت‌های مختلف

* برگزاری دوره‌های مختلف مشاوره خانواده و تحصیلی در کتابخانه شهید آیت‌الله... مدرس (ره)

* اطعام حدود ۷۰۰۰ نفر از روزه‌داران در شب‌های ماه مبارک رمضان در زیارتگاه شهید آیت‌الله... مدرس (ره)

* برگزاری جلسات ترتیل خوانی قرآن کریم با حضور بیش از ۱۰۰۰ نفر روزانه

* برنامه‌های فرهنگی برای بیش از ۱۳۰ اردوی دانش‌آموزی در طول سال در زیارتگاه

* برگزاری دعای ندبه کشوری پخش مستقیم از شبکه اول سیما، دعای پرفیض عرفه با حضور گسترده همشهریان عزیز



- * تدوین و تألیف کتب جهت رده‌های سنی مختلف جهت آشنایی با شهید آیت ... مدرس (ره)
- * بزرگداشت شعائر اسلامی (ایام ولادت و شهادت ائمه اطهار (ع) ، اعیاد ، ایام ...) (وقایع سترگ انقلاب اسلامی)
- * برگزاری مراسم ادعیه ، قرائت و تفسیر قرآن هر شب هم‌زمان با نماز مغرب و عشاء
- * تشکیل کارگروه فرهنگی با استفاده از کارشناسان فرهنگی و صاحب‌نظران و بهره‌مندی از نظرات و پیشنهادات نو و سازنده در برگزاری برنامه‌های فرهنگی سالیانه



* موزه آثار و اسناد این شهید بزرگوار در کنار آرامگاه او ، که در طول سال مورد بازدید هزاران زائر از اقصی نقاط کشور قرار می‌گیرد. این موزه گواهی عینی بر زندگی ساده و بی‌آلایش بزرگ‌مردی است که در عین داشتن یک زندگی زاهدانه ، از اندیشه و مقامات عالی عرفانی نیز برخوردار بود که حتی امروز هم می‌تواند الگو و چراغ راه جامعه در ابعاد مختلف باشد .



* کتابخانه مجتمع فرهنگی شهید آیت ا... مدرس(ره) با عنوان غنی‌ترین مجموعه فرهنگی و علمی منطقه با زیربنایی حدود ۱۶۰۰ مترمربع، دارای هزاران جلد کتاب چاپی، منابع دیجیتال، نشریات ادواری و تالارهای مجزای مطالعه خواهران و برادران، همه‌روزه پاسخگوی مراجعه‌کنندگان و پژوهشگران می‌باشد.

وجود منابع و مآخذ مختلف، نشریات و مجله‌های علمی، کتاب‌های روزآمد، بخش سمعی و بصری و ارائه خدمات ویژه رایانه‌ای، کتابخانه‌ای غنی را فراهم آورده که در منطقه بی‌نظیر و از جایگاه بسیار خوبی برخوردار گشته است.



پی‌نوشت‌ها:

۱. مدرّس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، علی مدرّسی، ص ۳۶۳. ۲. سود. ۳. همان، ص ۳۶۲. ۴. همان، ج ۲، ص ۱۱۴. ۵. همان، صص ۱۱۹ و ۱۲۰. ۶. همان، ج ۱، ص ۸۷. ۷. همان، ج ۲، ص ۱۲۱. ۸. همان. ۹. همان، ج ۱، ص ۸۷. ۱۰. همان، ص ۲۲۶. ۱۱. همان، ص ۲۲۹. ۱۲. همان، ص ۲۳۰. ۱۳. همان، صص ۲۳۸ و ۲۳۹. ۱۴. نوعی گیاه. ۱۵. شیره نوعی گیاه بیابانی که مصرف دارویی و صنعتی دارد. ۱۶. همان، ص ۲۷۹. ۱۷. همان، ص ۳۰۷. ۱۸. همان، ص ۳۱۸. ۱۹. همان، ص ۳۵۰. ۲۰. همان، ص ۳۵۱. ۲۱. همان، ص ۲۷۸. ۲۲. همان، ج ۲، ص ۴۷۸. ۲۳. جلسه ۲۱۷، سال ۱۳۲۹ ه. ق. ۲۴. مدرّس، ج ۱، علی مدرّسی، ص ۱۷۴. ۲۵. همان. ۲۶. همان، ص ۱۷۳. ۲۷. مدرّس در پنج دوره تقنینیه، ج ۱، علی مدرّسی، ص ۸۴. ۲۸. منظور از این کلمه، کسی است که در یک موضوع یا چند موضوع اطلاعات و آگاهی ندارد. ۲۹. همان، ص ۲۲۳. ۳۰. همان، ص ۲۲۴. ۳۱. همان. ۳۲. همان، ص ۲۳۲. ۳۳. همان، ص ۴۰۰. ۳۴. سربازگیری، تأمین سرباز. ۳۵. همان، ص ۴۰۰. ۳۶. همان، ص ۴۰۱. ۳۷. همان. ۳۸. همان، ص ۲۶۸. ۳۹. همان. ۴۰. تاریخ بیست ساله ایران، ج ۴، حسین مکی، ص ۱۱۶. ۴۱. همان، ص ۴۵۴. ۴۲. همان، ص ۴۵۵. ۴۳. مدرّس در پنج دوره تقنینیه، ج ۲، علی مدرّسی، ص ۲۵. ۴۴. مدرّس، ج ۱، علی مدرّسی، ص ۱۷۵. ۴۵. مطابق با سال ۱۳۰۶ ه. ش. ۴۶. بخش ها، ده‌ها. ۴۷. مدرّس در پنج دوره تقنینیه، ج ۲، علی مدرّسی، ص ۴۵۸. ۴۸. همان، ص ۱۳۹. ۴۹. مدرّس و سیاست‌گذاری عمومی، دکتر حمیدرضا ملک محمدی، ص ۱۵۰. ۵۰. نوعی کلاه. ۵۱. همان. ۵۲. همان، ص ۱۹۲. ۵۳. مدرّس، ج ۱، علی مدرّسی، ص ۱۸۱. ۵۴. همان، ص ۱۷۹. ۵۵. همان. ۵۶. همان، ص ۱۷۳. ۵۷. همان، ص ۱۷۴. منبع: رضائی، عباس(۱۳۸۶) سید حسن مدرس، تهران، انتشارات ترفند، چاپ دوم ۱۳۸۶.